

جاودان باد خاطره پیشکوه

## مقاومت قهرمانانه بوده ها

### در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷



پیام و رهنمود

سازمان چریکهای فدائی خلق  
به دانش آموزان و معلمان مبارز

## زنگ

## مبارزه

در آستانه سال تحصیلی جدیدی قرار داریم . بار دیگر درس این مراکز پر جوش و خروش در تمامی نقاط شهرها و در روستاها گشود و میشوند . بار دیگر دانش آموزان گرد هم می آیند . جسمی متحد ، رابطه های تنگاتنگ و همبستگی بینشیر برای مبارزه ای دیگر بار با رژیم . زنگ مبارزه بار دیگر نواخته میشود .

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که ایفای نقش فعال دانش آموزان انقلابی و معلمین مبارز را در جریان سرنگونی رژیم گذشته و  
بقیه در صفحه ۲

## بحران پاکستان

تاریخ مبارزات خلقهای تحت تسلیم ، این واقعت را بنصه ظهور رسانده است . که علیرغم فاشیستی ترین دیکتاتورهای پاکستانی که در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم همسال میشود و علیرغم تلاشهای مدبوغانه رژیمهای مرتجع و وابسته در سرکوب نمودن آنها ، در آن هنگام که تضاد های طبقاتی بحرحله تعارض رسد و بحران انقلابی برجایمانده حاکم گردد ، هیچ عاملی قادر به مقابله با موج عظیم انقلابات نخواهد بود . هرچند که اعمال دیکتاتوری تائیداتی بر روند عمومی مبارزات نمودند ، اما نقش تعیین کننده ای نخواهند بود و بهمان میزان نیز موجب میشود که در اینگونه کشورها مبارزات نمودن آنها از همان آغاز بروز آشکار خود ، بصورت اشکالی انفجار گونه بخود گرفته و بهر انقلابی شود ، ما را متعلق مبارزه . در چنین شرایطی شدت یافتن سرکوب نغتها موجب توقف اعتراضات نگشته بلکه بالعکس به خود خود تبدیل شده و هر سرکوب و کشتار ، نمودن های بیشتری را به صحنه  
بقیه در صفحه ۲

## در این شماره

جنبش کارگری

در صفحه ۳

جنبش انقلابی خلق کرد

در صفحه ۱۴

جاودان باد خاطره

در صفحه

فدائیان شهید

۱۴

جواد کاشی و انور اعظمی

## ملاحظات درباره

## کمیته های مخفی اعتصاب

رساندن انقلاب ، امری است که از طرف هیچ نیروی سیاسی انقلابی و کارگر مبارزی - مورد چون و چرا تردید قرار نمیگیرد . حتی میتوان گفت که  
بقیه در صفحه ۵

ضرورت تشکیلات ، برای تدوین مبارزات جاری ، برای پیشروی سوی برپائی لغتصاب عمومی سیاسی و قیام صلحانه و برای حراست از دستاوردهای قیام و کلا برای برانجام

## هشدار به هواداران

تشویک ، آنها به هواداری از شورای ملی مقاومت منتشر شده است . بدینوسیله اعلام میداریم که این قبیل انتشارات به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تعلق نداشته و برخلاف خط مشی و مواضع سازمان است و اینگونه اقدامات شدیداً از طرف ماحکوم است .

اطلاع یافته ایم که اخیراً در خارج از کشور از سوی افراد غیر مسئولی که بر نسیبهای انقلابی و کمونیستی راز بر پا کرده اند ، نشریاتی بانام و آرم سازمان ( چون کار

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم



### بحران ...

بقیه از صفحه ۱

مبارزه آشکار سوق میدهد. این واقعیت در جریان قیام ۲۲ بهمن در ایران نیز نمود ارگشت و اینک رژیم پاکستان را علی‌رغم ملتپارسی عمیران خود به بن بست کشانده است. هر چند رژیم نظامی پاکستان تلاش میکرد در سایه دیکتاتوری نظامی به حفظ وضعیت موجود موفق گردد اما شدت تضادها سی طبقاتی و نارضایتی عمومی سرانجام برتری قدرت بوده ای را در مقابل وحشیانه ترین دیکتاتورهایشان داد و این همان واقعیتی است که امروز رژیمهای جنایتکار امریکایی لاتین راهم به وحشت افکند است.

بحران انقلابی موجود در پاکستان انعکاس منطقی بحران جهانی امپریالیزم و سرشکن کردن آن در کشورهای تحت سلطه ای نظیر پاکستان میباشد که اثرات بلاواسطه آن گسترش فقر و فلاکت، تورم، بیکاری و افزایش سرسام آور قبضه‌هاوشدهت یافتن استثمار خلق پاکستان است که خود عوامل عینی رشد نارضایتی های عمومی میباشد و در این میان کجکهای بدبوی اقتصاد و نظامی رژیم دیکتاتوری پاکستان به مرتجعین افغانی و صرف هزینه های گزاف در تقویت جریانان تاریخی منطقه بر شدت بحران - حاکم افزوده است. در چنین شرایطی توده های وسیع مبارزه انقلابی روی آورده اند.

اشکال مبارزات توده ها در پاکستان که بصورتی انفجارگونه وسرعت رشد یافته به پیش می رود هر چند از ایالت سند که سابقه تاریخی مبارزاتی دارد آغاز شد اما همچنانکه شاهد انهم محدود به ایالت سند نشده و دیگر ایالات از جمله پنجاب که پرجمعیتترین ایالت پاکستان است و دیگر شهرهای پاکستان را دربر گرفته است. تضادهای طبقاتی که طی سالهای دیکتاتوری نظامی بیشترین رشد کمی خود را طی میکرد به نقطه ستهز رسیده و اشکال مبارزات توده ای از تظاهرات خیابانی بر علیه دیکتاتوری حاکم فراتر رفته و با هر حرکت سرکوبگرانه رژیم سرعت به تاخیرهای قهرآمیز شد یافته است حمله به ساختمانهای دولتی از جمله شهرداری، راه آهن، بانکها و حتی حمله به منازل سرمایه داران مدافع رژیم، مضمون مشخصی را منعکس میسازد و آن نفی سیستم موجود در نطفه های ترین شکل آن میباشد. حمله به چند زندان در ایالت سند و آزاد کردن زندانیان سیاسی و صادره سلاح - های موجود در زندان در حالیکه دفاع عملی از زندانیان سیاسی را نشان میدهد در همین حال و همراه با آن صادره سلاح -

های فوق مسئله درک ضرورت اعمال قسری انقلابی از سوی توده ها را در مقابل با قسری ضد انقلابی رژیم نظامی پاکستان بهمان میکند. و بالاخره ایجاد راه بند آن در بزرگراه کراچی - هالا در شمال ایالت سند نوعی مقابله توده ها با سانسور حاکم در پاکستان است که با این تاخیرات اخبار مبارزات مردم ایالت سند به دیگر نقاط پاکستان اشاعه می یابد (نظیر حرکت افسریه) در این میان علاوه بر اقشار مختلف خرد و بزرگوازی پرورشندگان انقلابی، طبقه کارگر نیز وسیعاً به تظاهرات و حرکات اعتراضی و اعتراضی پیوسته است. اعتراضات کارگری از ایالت سند فراتر رفته و در ایالت پنجاب نیز آغاز گشته است و مبارزین از مردم پیشاور و بلوچستان نیز دعوت به پیوستن به اعتراضات نمود. اند.

مقابله وحشیانه رژیم مزدور پاکستان که رسالتی جز حفظ و حراست از منافقانعمارات امپریالیستی ندارد، با مردم زحمتکش و تحت ستم، تاکنون در هفاکته حدود ۱۷ هزار دستگیری بهمراه داشته است. در این سرکوب علاوه بر نظامیان، حزب "حرکت حمایت از ضیاء" که اخیراً درخواست "ضیاء الحق بنام "حرکت اتحاد پاکستان" تغییر نام داده است نقش بسیاری در حمله به تظاهرات و سرکوب مردم برعهده داشته است. این حزب همچون "حزب الله" در ایران ساخته دست رژیم ضد خلقی حاکم است علاوه رژیم پاکستان سعی کرده است تا حرکات انقلابی مردم را بر و ایل تخاصی دیکتاتورهای جهان به توطئه دیگر کشورها منتسب سازد و در این میان رژیم افغانستان و هند عامل این حرکات معرفی شده اند. اما واقعیت اینست که بحران موجود در پاکستان پدیده ای خلق الساعه نیست، از همان ابتدای استقرار دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق و معیارات دیگر فلسفه تغییر حکومت در پاکستان و برقراری دیکتاتوری نظامی در ۶ سال پیش خود عاملی بر سرپوش نهادن بر بحران موجود و خطرسر اوجگیری جنبش انقلابی بود.

در آن سالها که همزمان با آغاز مبارزات انقلابی مردم ایران بود بر اساس استراتژی امپریالیزم در منطقه خاور میانه و بالاخص خلیج فارس مسئله بانحراف کشاندن مبارزات مردم بر زمینه تعلقات مذهبی و از طریق ایجاد حکومتهای مذهبی که استثمار خلق را در لاف مذهب مشروعیت میبخشد و با اصطلاح ایجاد "گمبند سبز" مطرح بود. چنین حکومتهایی بمثابة دیوار مطمئنی در مقابله با جنبش کمونیستی در این کشورها و همچنین مانع از تاثیر پذیری از کشورهای سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی محسوب میشد ضمن سرکوب جنبشهای کمونیستی منافع امپریالیزم در منطقه را کاملاً تضمین میکرد. از همین رو رژیم نظامی پاکستان در

آن مقطع بانام حکومت اسلامی پاکستان رهبری ضیاء الحق بقدرت رسید (و بحال پس از آن نیز بر اساس همین استراتژی و بر اساس اوجگیری جنبش توده ای و اینکه در آن مقطع مناسبترین الترناتیو که میتوانست منافع کوتاه مدت امپریالیزم را تامین کند خصمیت این رسالت را یافت تا هم سرکوب خلق و هم استثمار خلق را در پوشش حاکمیت دیکتاتوری ولایت فقیه مشروعیت الهی بخشد) تلاش این رژیم در جهت پیاده کردن قوانین اسلامی مورد توجه قرار گرفت اما چونکی انطباق قوانین اسلامی با سیستم سرمایه داری وابسته پاکستان آنرا با مشکلاتی مواجه ساخت اما از چند ماه پیش که زمینه های پرورش حرکات اعتراضی و مبارزات آشکار توده ها بقدرت رژیم سرکوب گشت رژیم نظامی پاکستان مسئله اسلامی کردن تمام و کمال رژیم را جدی تر میبرد توجه قرار داد تا شاید با پوشاندن رژیم دیکتاتوری در پوشش اسلام، همچون رژیم ایران مشروعیتی الهی بر جناياتش بیابد. استقرار دیکتاتوری نظامی پاکستان در پوشش يك حکومت اسلامی بایک زب سازي قبلي از چندی پیش آغاز شد بدینصورت که روحانیون وابسته به رژیم بایک برنامه از پیش تعیین شده توسط خود رژیم خواستار اصطلاح اجرای قوانین اسلام در پاکستان شدند و ضیاء الحق نیز بلافاصله پذیرای آن شد.

اولین موج اعتراضات از سوی حقوق - دانان پاکستان آغاز گردید که بلافاصله سرکوب شد. اما زحد و دیکماه پیش که مبارزات و اعتراضات توده ای با جنبش ابعاد درخشانی آغاز گشته است بحرمت میتوان گفت که سیاست فوق قادر به فریب توده ها نبوده است و امپریالیزم امریکا رژیم تحت سلطه پاکستان در اعمال این تاخیرات با شکست مفتضحانه ای مواجه شده است. چرا که اگر جنايتکاران تاریخ در یکاگیری شیوه های سرکوبگرانه از هم پیمانان خصم باری میجویند و تجارب ضد انقلابی خصم را بیکیکدیگر منتقل میکنند توده های مردم نیز تجارب توده های تحت ستم را مورد توجه قرار میدهند و در این مورد مشخص توده های زحمتکش پاکستان تجربه تلخ مردم ایران را در پیش روی به آرند.

اگر خصمیت در یک شرایط ویژه کسه مبارزات توده ها بر علیه رژیم شاه روندی اوج یافته داشت و در نبود يك الترناتیو انقلابی قوی مهتره مناسی بر تحقق سیاست کمبند سبز امپریالیزم بکار آمد و فریکارانه و در پوشش مذهب کلیه جنایات، سرکوبها، کشتارها و تشدد بدست و استثمار بر علیه توده ها را مشروعیت الهی بخشید و دیکتاتوری ولایت فقیه را سرپوشی بر دیکتاتوری ویران خویش بقیه در صفحه ۷

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# چینش گاوگوری



اخراج حقوق روزانه اش ۱۸۰۰ ریال بوده پس از استخداام مجدد حقوقش به ۱۳۰۰ ریال که حد اکثر پایه حقوقی استخداامی های جدید است تقلیل می باید و به این ترتیب در هر ماه ۱۵۰۰۰ ریال از هر کارگر اخراجی دزدی میشود و اگر در دو ماه تیر و مرداد ۱۰۰ نفر کارگر را اخراج و مجدداً استخداام کرده باشند در هر ماه ۱۵۰۰۰۰ ریال از جیب کارگران دزدیده شده و به جیب کارفرما و دیگر سرسپردگان دزدیم می رود تازه این فقط یک رقم از دزدی های سرمایه داران وابسته شرکت از دسترنج کارگران است. از تیر ماه ۶۲ قسری از دسترنج کارگران که با عنوان پاداش پرداخت میشود هم قطع گردیده که اگر به هر کارگر بطور متوسط در ماه ۳۰۰۰ ریال پاداش پرداخت میشود و تعداد کارگران که حدوداً به ۵۰۰ نفر می رسد مبلغی در حدود ۳۲۵۰۰۰۰ - ریال در ماه از کارگران دزدی میشود

# مجمع طرح گسترش پتروشیمی

دری سخنرانی خمینی جنبشی بر درخواست لغز ام نیرو به جبهه ها و همچنین کنگهای پست جبهه از قبیل جمع آوری کک - های نقدی و غیر نقدی ، مزدوران انجمن اسلامی از تاریخ ۲۱ / ۵ / ۶۲ الی ۲۳ / ۵ / ۶۲ اقدام به جمع آوری کک به جبهه ها ( معادل دسترنج یکروزه ) نمودند . چون روز اول با عدم استقبال کارگران مواجه شدند روز دوم و سوم به افراد کار در حراست دستمزد داده شده هنگام اتعام کار و خروج کارگران از درب شرکت ساعت باز شدن در چهار به الی ۷ دقیقه بتعمیق اندازند تا بدینوسیله بتوانند مدت توقف کارگران را جلوی درب خروجی طولانی تر کرد و بقول معروف از آب گل آلود ماهی بگیرند . یکی از مزدوران انجمن اسلامی بنام کارگر که سوپروایزر کارگران ابزار دقیق واحد نیروگاه می باشد در کنار دیگر مزدوران انجمن اسلامی پشت میز نشسته و هر کدام از کارگران واحدش را که می دید صد کرده و خطاب به مزدور دیگر انجمن اسلامی میگفت " یکروز حقوقت را بنویس " و به این ترتیب برخی از کارگران علی رغم تمایل خود مجبور به پرداخت یکروز حقوق شدند . ولی با وجود تمسول به این شیوه های مزورانه فقط عده قلیلی به پرداخت یکروز حقوق تن دادند و در مورد لغز ام به جبهه ها حتی یک نفر هم را وطلب نشد . و به همین ترتیب بار دیگر کارگران مخالفت خود را با رژیم و جنگ خانمانسوز نشان دادند .

در تیر و مرداد ماه تعداد بسیاری از کارگران واحد های مختلف طرح گسترش را بلغنازمین مختلف از جمله اینکه کارپروژه رو به اتعام است ، و با وسایل و ابزار کارند آریم و همین علت بکارگزارانی نیازی نیست ، اخراج میکنند . بطور مثال در واحد نیروگاه که حدوداً ۱۰۰ نفر کارگرفتی و غیر فنی بجز کارگران نقاشی کار میگردند هم اکنون تعداد کارگران به ۵ الی ۶ نفر رسیده است . چند نفر از کارگران جوشکار اخراجی هنگام تیرماه حساب در امور حسابداری باسول کارگرفتی درگیری لفظی پیدا میکنند مبنی بر اینکه طبق قرارداد با شرکت شینوا باید ۴۰ روز بابت اخراج پرداخت شود نه ۳۰ روز . و به این ترتیب به تسویه حساب راضی نشده و همگی بعنوان اعتراض به اداره کار رجوع میکنند در اداره کار به آنها میگویند که قانون کار جدید ۴۰ روز رابه ۳۰ روز تقلیل داده و از دست ماکاری ساخته نیست . کارگران - پس از بازگشت از اداره کار میگفتند " ایمن دوندگیها به اداره کار جزی تلف کردن وقت چیز بگری نیست دولت برای کوه ای هاو به نفع کارفرما و بر علیه کارگران قانون می تراشد

سیاستهای استشارگران رژیم ضد خلقی ، خمینی کمپانی شینوا وابسته به امپریالیسم - سرمایه داری - کالا بالا گرفته است در این شرکت به علل واهی اقدام به اخراج کارگران کرده و سپس دوباره آنها را همراه با کارگران جدید به استخدام میکنند . به این علت که هنگام اخراج کارگر حقوق بالائی دارد و هنگام استخدام مجدد با حقوق بسیار کمتر از قبل استخدام میشود . حال اگر کارگری قبل از

ملاحظاتی ۰۰۰ بقیه از صفحه ۱۲  
نیز موثر واقع میشود . بدین لحاظ وقتی سخن از ضعف بیوند مابین پیشاهنگک و طبقه گفته میشود باید هر دو سر را در ارتباط بایکدیگر سنجید . اکنون جنبش کارگری ایران نه تنها باعث نبود تشکیلات صنفی - توده ای کارائی لازم رانندارد ، بلکه مضر از آن نبود حزب سیاسی پرولتاریا بنظر رهبری جنبش کارگری نیز از ضعفهای اساسی این مرحله از جنبش میباشد . پس برای فاتح آمدن بر ضعف بیوند مابین پیشاهنگک و طبقه از یکسو باید در جهت سازماندهی پرولتاریا برآمد ، و از سوی دیگر به سازماندهی انقلابیون حرفه ای ( پیشاهنگک ) پرداخت . اکنون این دو وظیفه در ارتباط تنگاتنگ بایکدیگر قرار گرفته است . در پاسخگوئی به این ضرورت بود که پلنوم اخیر سازمان درباره مسائل سازمان - دهی به این جمع بندی دست یافت که " سازماندهی باید ضمن اینکه سمت گیری حزبی داشته باشد ، باید به نیازهای دوران

گذاره حزب پاسخ مثبت دهد ، با شرایط اختناق منطبق باشد ، با نیازهای دوران - انقلابی تطابق داشته باشد و همچنین با توان وظرفیت سازمان همخوانی داشته باشد و از چنان انعطافی برخوردار باشد که در یک شرایط ویژه یعنی در اوج گیری جنبش توده ای بتواند وسیعترین اقشار خلق را رهبری نماید . " خلاصه کنیم ، با در نظر گرفتن چهار ویژگی ، یعنی تداوم بحران انقلابی ، اختناق سرکوب ، عدم وجود تشکلهای صنفی کارگران در سطح وسیع و بالاخره عدم وجود بیوندی مستحکم میان سازمان پیشاهنگک پرولتاریا و طبقه ، شکل ویژه سازماندهی رقم میخورد . اگرچه در اینجا این چهار ویژگی به تفکیک مورد بررسی قرار گرفت ، لیکن آنها شباهت اجزائی لایتنجا از یکدیگر بصورت یک کل واحد ، شکل سازماندهی را مشخص و مفید می کنند . بنابراین تشکل - پرولتاریا باید بتواند ضمن خنثی نمودن جو ارباب و سرکوب در راستای ضمن انقلابی

جنبش ، یعنی برپائی لغتصاب عمومی سیاسی و قیام سلحانه قرارگیری ، این تشکل از سازماندهی در عین حال باید بگونه ای باشد که بتواند مبارزات جاری پرولتاریا را که در شرایط معمول از طریق تشکلهای نظیر اتحادیه و سندیکا انجام می باید ، جوابگو بود و همزمان شرایط مناسبی رابه منظور بیوند پیشاهنگک با طبقه از یکسو و استحکام پیشاهنگک از طریق جذب کارگران پیشرو که به درک دید پرش مارکسیسم - لنینیسم ناقل می آیند ، از سوی دیگر فراهم نماید . با در نظر گیری نکات فوق و نیز جمع بندی از تجارب سازماندهی پرولتاریا در جنبش انقلابی سال ۵۷ ، کشته های صنفی لغتصاب آن شکل از سازماندهی است که هم متناظر بر وضعیت روند های عینی و ذهنی جامعه در شرایط کنونی است و هم متناظر بر مضمون حرکت انقلابی توده ها در راستای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان . ادامه دارد

# پیام و رهنمود

بقیه از صفحه ۱

کرد که بنابه دلایل فوق الذکر در ارتباط با مدارس و توده دانش آموزان رژیم به موفقیت‌های نسبی هرچند موقتی دست یافته است و نزول سطح مبارزه دانش آموزان و معلمان در مدارس به مراتب بیشتر از مبارزات کارگران و زحمتکشانشان پس از ۳۰ خرداد ۶۰ بوده است. وضعیت که با اندکی هوشیاری بیشتر از سوی جریان‌های انقلابی و دانش آموزان انقلابی فعال در مدارس به سرعت قابل تغییر خواهد بود. باید یعنی نمود تا اعتماد عمیق اکثریت دانش آموزان را به نیروهای انقلابی کسب کرد و این ممکن نیست مگر اینکه فعالیت ما بر بستر زمینه‌های موجود و سطح مبارزه کنونی در مدارس تنظیم شود و هماهنگ با مبارزه انقلابی سراسری علیه رژیم در سطح جامعه.

۱- بر اساس گزارشاتی که ما دریافت کرده ایم، بنابه علل فوق الذکر، توده دانش آموزان بسیاری وسعت بسمت مبارزه سیاسی و حتی بحث‌های سیاسی کشیده نمی‌شوند و نوعی محافظه کاری در آنان شکل گرفته است. در نتیجه میبایستی دقت و انرژی زیادی در درک خواسته‌های توده دانش آموزان در مقطع کنونی (که عمدتاً زمینه صنفی دارد) گذاشت و با شرکت فعال و آشنایی با بحران‌ها که در این زمینه می‌تواند صورت گیرد یا فرض در جریان است جهت شخصی را به آن حرکت داده و - رهبری آنرا در دست گرفت. خواسته‌ها باید شکل مشخص گانالیزه کرد، خواسته‌هایی که با توجه به نیرو و روحیه کنونی دانش آموزان قابل حصول بوده و بالا اقل در روز زهن نباشد. البته باید توجه داشت آنچه که مبارزات توده دانش آموزان را در این سطح نگه داشته مرکب عنان که چخته رژیم از یکسو و عدم سازمانیافتگی دانش آموزان در جارجوب تشکلهای انقلابی و حول برنامه ای انقلابی است که در زیر بد آن خواهیم پرداخت.

۲- رفقای هوادار میبایستی تبلیغات وسیعی را حول برنامه و خط مشی سیاسی سازمان، مسائل سیاسی مطرح در سطح جامعه، مسائل مربوط به گروه‌های سیاسی دیگر، خواسته‌ها و مسائل توده دانش آموزان و... به پیش ببرند. بخش اخبار مبارزات دانش آموزان و معلمان همان مدرسه و مدارس دیگر و همچنین بخش اخبار و گزارشات مبارزات کارگران و زحمتکشانشان در سطح جامعه از اهم وظایف ماست. نشان دادن وضعیت حضور سیاسی سازمان و ایده های انقلابی آن در مقطع کنونی اثرات بسیار ارزنده ای بر روحیه توده دانش آموزان و جو مبارزاتی باقی خواهد گذاشت. امری که بهر حال نهایتاً بر اساس درک و رشد بیشتر مبارزه بقیه در صفحه ۹

سلم اینست که اساساً نیز رژیم تلاش خواهد کرد سیاست سرکوب و کشتار هرگهای را که در سراسر جامعه تا آنجا که در دید قدرتش بوده به پیش برده، در مدارس نیز اعمال نماید. با نظر داشت این مسئله که بهر چه ظرف دو سال ونیم اخیر رژیم هر چه بیشتر به شیوه عربان سرکوب روی آورده، میبایستی روشن شود که وظایف ما چیست و چگونه میتواند متحقق شود.

ناگفته پدید است که وظایف ما نحوه عمل ما در مبارزاتی که میخواهیم در مدارس به پیش بریم و با قرار است از سوی دانش آموزان صورت گیرد نمیتواند بدون شناخت و بررسی وضعیت موجود در مدارس و شرایط روحیاتی حاکم بر توده دانش آموزان صورت پذیرد. چرا که در اینصورت واضح است که با عدم موفقیت مطلق رو بر خواهیم شد. قطعاً خود رفقای دانش آموز بهتر از هر کس متوجه هستند که اتحاد سیاستهای نادرست در نحوه عمل و بیشتر از مبارزه در مدارس از سوی جریان‌های سیاسی، یعنی ارائه روشها و تعیین وظایف و سیاست عملگرایی که با شرایط منطبق نبوده بهر چه سیاستهای نادرست مجاهدین که اکثر نیروهای دانش آموزی خود را حول عملیات مسلحانه و تاکتیکیهای بلانکیستی و بدتر از همه بدون در نظرگیری ظرفیت نیروها تخصیص دادند و از سوی دیگر خاطر فقدان یاد ر بهترین حالت ضعف رهنمود و راه حل پروتئوری جهت تعیین چگونگی ادامه مبارزه سیاستها و اشکال سازماندهی برای توده دانش آموز از سوی جریان‌های کمونیست و بهر چه سازمان ما در موقع نیاز و در نتیجه رها شدن نیروها در امواج سیاستها و تاکتیکیهای خرد و بورژوازی نه تنها جنبش دانش آموزی نتوانست مقاومت لازم را در مقابل پیشرفت انقلاب حاکم سازمان دهد بلکه در مقاطع معینی در اثر این انحرافات و کاستی‌ها ضریب مهلکی بر مبارزات دانش آموزان وارد شد. همین امر تا حد زیادی برای توده دانش آموزان در رابطه با وضعیت سیاستها و تاکتیکیهای سازمانهای سیاسی مرفقی و انقلابی شوال ایجاد کرد.

از سوی دیگر سرکوب عنان گسیخته و وحشیانه رژیم و مقابله به شدیدترین وجه با هر عنصر مبارز و هر حرکت مبارزاتی حتی هر حرکت صنفی اعتراضی، تا حد زیادی جو و روحیه مبارزاتی را در میان توده دانش آموزان تضعیف کرده است و باید در این عنان

۱۳ آبان هائی که افریده شد فراموش نکرده، مبارزه انقلابی انسان را در مدارس و در خارج آزان برای تداوم انقلاب علیه خود، وادای جاننازیها و ایشار معملین مرفقی و انقلابی را از یاد نبرده، به هنگام بازگشتی مدارس نگرانی افزون تری میباید. نگرانی از اینکه این بازگشتی پیوند های انقلابی بریده شده را برقرار نماید و عرصه دیگری از مبارزه برایش گشوده گردد.

بهمین خاطر یکی از عمده ترین شیوه های رژیم جهت فائق آمدن بر مبارزات در مدارس، بهر چه پس از ۳۰ خرداد سال ۶۰ سعی در بازگشتی مدارس بدون دانش آموزان و معملین مرفقی و مبارز بوده است تا همسال ضد انقلابی مزدوران رژیم و حزب اللهی ها با مقاومت سازمان یافته ای مواجه نگردد. از این روشیوه های متفاوتی جهت تضعیف دانش آموزان و همچنین معملین مبارز بکار گرفته که بر مود دانش آموزان در سطح حداقل آن، عدم ثبت نام، خواستن مرفقی نامه از مسجد یا کمیته محل، ندادن نمره انضباط کافی جهت قبولی و... در موارد زیادی بصورت دستگیری و احیانا اعدام بوده است. و در مورد معملین مرفقی اخراج های وسیع و دستگیری و در مواردی اعدام آنها.

از سوی دیگر سیاست تشدید اختلاف و جلوگیری از هرگونه مبارزات صنفی و سیاسی و پایمال تمامی آزادیهای سیاسی در مدارس در اینصورت از سیاستهای مشخص رژیم بوده و در سال جدید تحصیل نیز خواهد بود. این عمل مسلط علاوه بر سخت گیری ها، تضعیف ها و تعهد گرفتن های اولیه، باتکیه بر مزدوران رژیم چون مریان امورتربیتی و سایر مسئولین مدارس و انجمنهای اسلامی به پیش برده خواهد شد که ارکان اصلی آن در عین گذاردن جاسوسهای انجمنهای اسلامی و تکیه بر اخراج و توییح، تعطیل تمامی فعالیتهای فوق برنامه (بجز فعالیتهای انجمن اسلامی) و جلوگیری از ایجاد هرگونه تشکل یا انجام هرگونه حرکت اعتراضی از سوی دانش آموزان خواهد بود.

رژیم جنایتکار رضا برای مقابله با بقایای معملین غیر مکتبی و از جمله مبارزه نیز هنوز در تلاش شناسایی آنهاست. گویی اخراج یکباره نزدیک به ۳۰۰۰ معلم در سال ۵۹ و کارگزاران عده زیادی از عوامل رژیم تحت عناوین مریان تربیتی و استخدام سبیلی ها در مدارس هنوز برایش کفایت نمیکند.

## ه‌ح‌ه گسند ده تاد اتحاد عملا نده‌های مرفقی و انقلابی



### ملاحظات . . . بقیه از صفحه ۱

در اثربخشی های ملموس چندین ساله اخیر، اکثریت قاطعی از توده های کارگر بیزانی بضرورت تشکیلات پس برده اند. اگرخواهیم از اثر جنبشهای انقلابی نستادوری که در ذهنیت توده های کثیری از کارگران جدید نقش مستقیم و ملموس نموده است، درگذریم، اما، جنبش انقلابی سال ۵۷ و تدویم آن بگونه های مختلف، تجربه های گرانبهایی را از عمل مستقیم مبارزاتی بضرورت تشکیلات در دسترس قرار داده است. مشتبه توده های کارگر بر سترین تعارب، اگرچه آبدیده شده و به ضرورت تشکیلات پی میروند، لیکن بخودی خود به درک علمی از سازماندهی نائل نمیروند. آنها در هر برهه از پروسه مبارزاتی به آن شکلی از سازماندهی واقف میشوند که شرایط عینی و ذهنی، آن شکل از سازماندهی ترانزیتان ملموس و ممکن گردانند. است و از این جهت آنان آگاهانه به تدارک سازماندهی نمیروند.

اماری پیشاهنگ پرولتاریا با فاصله ای بیسروان کارگری که مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط با پیشاهنگ قرار دارند، ضرورت تشکیلات لغز گامی است در جهت شناخت از چگونگی ایجاد تشکیلات و سازماندهی. و این شناخت همچون شناخت توده های کارگر نیست که عمدتاً مبتنی بر رویدادها و مبارزات جاری است، بلکه شناختی است که از جمع بندی آگاهانه از تعارب، زمینه های موجود مبارزه طبقاتی، ویژگیهای عمده ای که مبارزات در آن جریان دارد و چشم انداز حرکت و اهداف جنبش، به دست می آید و از اینرو، برعکس شناخت توده های کارگر چشم به آینده دارد و از این جهت تدارک آگاهانه را مطلقاً در حقیقت سازماندهی از نظر پیشاهنگ چپزی جز نظم آگاهانه بخشیدن بمبارزه طبقاتی پرولتاریا نیست و بدون آگاهی از روند مبارزه طبقاتی و دوره ای که این مبارزه در آن جریان دارد، دستیابی به ضامن و اشکال ضروری سازماندهی ناممکن است.

برای این منظور تحلیل از روند مبارزه طبقاتی تفکیک دوزیمه از یکدیگر، یعنی روند های عینی از روند های ذهنی جامعه ضروری است. زیرا که هر یک از این دو روند به نوبه خود دارای عملکرد خاص و مشخص بوده و در ارتباط معینی با یکدیگر قرار دارد. روند های عینی که جهت و ضمن حرکت جامعه و بالخصوص (بطور کلی و در تحلیل نهایی) روند های ذهنی را تعیین میکنند، بنوعی خوشنخت تاثیر روند های ذهنی واقع

میکرد. ساخت اقتصادی، درجه رشد و انکشاف نیروهای مولده و در نتیجه ساخت طبقاتی جامعه و روابط فی مابین طبقات بر مبنای درجه رشد تقسیم کار اجتماعی و نقش هر یک از آنها و طبقات گوناگون اجتماعی در چارچوب قانونند پهای حاکم در دوران کنونی بشابه آن روند های عینی است و از سوی دیگر وضعیت ذهنی توده ها، میزان آگاهی طبقاتی، تجربیات مبارزاتی، اشکال و درجه سازمانیابی توده ها، چگونگی و اشکال سرکوب رژیم و... بشابه روند های ذهنی است.

سازماندهی کارگران باتوجه به این روند های عینی و ذهنی که در عین حال چشم انداز و اهداف سازماندهی را مشخص میکند، میتواند سرشتی انقلابی و کارساز در پیشبرد مبارزه طبقاتی پرولتاریا داشته باشد. بدون توجه به این زمینه ها که سازماندهی را مشخص میکند، پیشاهنگ و پیشرو همچون توده های کارگر اسیر جریانات روزمره شده و شکل سازماندهی هدف داری را تعقیب نمیکنند و معیاری دیگر همراه با جذر وید های جنبش کارگری و بر اساس شرایط گذران روزمره به دنباله روی از - سرحوادث و جنبش کارگری پرداخته، و با پیشاهنگ با عدم درک صحیح از این روند ها چشم انداز و اهداف جنبش کارگری بر آن شکل از سازماندهی تاکید میروند و به تدارک میپردازند، که عملاً بر زمینه های عینی و ذهنی منطبق نبوده و لاجرم کارساز واقع نمیشود.

بر این اساس است که گفتیم تنها کافی نیست بضرورت سازماندهی واقف شد. بسیاری از نیروهای سیاسی انقلابی بر این ضرورت واقفند، اما، اشتراک در درک ضرورت سازماندهی، بمعنای اشتراک در درک از چگونگی سازماندهی نیست. بعنوان مثال دو درک متفاوت از دوره ای که در آن بسر میبریم، الزاماً به دو درک متفاوت از وظایف و اهداف پیشاهنگ پرولتاریا و از اینجابه چگونگی سازماندهی میسرند. آن نیرویی که به شکست انقلاب معتقد گشته است بانبروی سیاسی دیگری که بحران انقلابی را بر جامعه حاکم میدانند، عملاً در امر سازماندهی نیز به درکی متفاوت نائل میشود. از این نظر، پیشاهنگ اگر درک صحیحی از زمینه های عینی و ذهنی سازماندهی و نیز چشم انداز و اهداف جنبش کارگری نداشته باشد، در بهترین حالت انرژی خود را به هرز میرسد، و اگر از این فرض "بهترین حالت" صرف نظر کنیم بنانه توان خود حتی میتواند جنبش کارگری را کند کرده و با - انحراف بکشاند. به همین دلیل، بررسی ویژگیهایی که در هر دوره جامعه را احاطه کرده است، برای پیشاهنگ، بعنوان امری ضروری و سرنوشت ساز بدل میشود. بدون شناخت اساسی ترین این ویژگیها امر

سازماندهی نمیتواند در خدمت جنبش هدفمند پرولتاری واقع شود.

صرف نظر از روند های عینی، در اینجا ما باتوجه به آنچه که فوق بیان شد، به چهار ویژگی مهم که سازماندهی جنبش کارگری را در وضعیت کنونی مشخص و مقید میسازد، بسنده می کنیم. این ویژگیها عبارتند از: تدویم بحران انقلابی حاکم بر جامعه، وجود شرایط اختلافی، نبود تشکلهای صنفی - توده ای کارگران، نبود حزب سیاسی پرولتاریا و ضعف پیوند مابین سازمان های سیاسی پرولتاری و طبقه کارگر. از میان این ویژگیها، تدویم بحران انقلابی، نقش اصلی را در چگونگی برخورد با امر سازماندهی پرولتاریا بر عهده دارد.

#### ۱- تدویم بحران انقلابی

در پی انتقال قدرت از طبقه ای ضد انقلابی به طبقات ضد انقلابی دیگر و تدویم بحران انقلابی در سینه جامعه شرایط خود ویژه و خاصی را جامعه تحمیل نموده است. از سویی طبقه کارگر و هقانان و زحمتکشان و دیگر قشرهای در حرکت و انقلابی خواهان تحقق اهداف انقلاب و کسب آزادی از قیود امپریالیسم و استقرار حاکمیت انقلابی خویش هستند و از سویی دیگر رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ضد خلقی خود به رصاصه مبارزات کارگران و زحمتکشان میپردازد.

ادامه این روند در طی دوره پس از قیام که بنوعی خوش دارای افت و خیزهای متعدد و شرایط خود ویژه و کشاکش انقلاب و ضد انقلاب را سبب گردیده است.

هر چند که با سرکوب و خشیانه رژیم پس از وقایع ۶۰ خرداد ۶۰ جنبش توده ای به طور اجتناب ناپذیری دچار افرقی موقت گردید ولیکن انقلاب بعلمتند اوم بحران انقلابی و وسعت جنبه عظیم انقلاب منجر به شکست نگردید و بحران انقلابی همچنان تدویم یافت. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تمام کشتارها، اقدام ها و تالانگریهای قرون وسطائی اش قادر نگردید شعله های انقلاب را خاموش سازد. بنا بر این در برنامه پرولتاریا انقلاب در دستور و قرار دارد. در این شرایط خود ویژه کشاکش انقلاب و ضد انقلاب، چشم انداز آتی جنبش پیش از هر چیز همانا برای لغتصاب عمومی و قیامی مجدد است. از اینرو یاد داشتن این چشم انداز نمیتوان به آن شکلی از سازماندهی کارگران مبادرت ورزید که در یک شرایط عادی لازم است. بلکه باید کارگران را در آنچنان تشکلهایی سازمان داد که از طریق آن طبقه کارگر قادر گردد یاد رنظر گرفتن چشم انداز کنونی تدارک لغتصاب عمومی و قیام را ببیند. بقیه در صفحه ۶



در شرایطی که بحران انقلابی حرکت  
واقع را سرعت می بخشد آنچه که امروز تازگی  
دارد در مدت زمانی کوتاه کهنه میگردد -  
نمی توان اصولی را در سازماندهی کارگران  
به آن تشکلهای که در زمانهای عادی  
ضرورت دارد بکار گرفت .

### ملاحظات

بقیه از صفحه ۵

جمهوری اسلامی کارخانه هارایاکسازى کرد  
بنابر این تشکلهای غیر علنی ضرورت خود را از  
این نقطه نظر نیز اشکار کرد انده است البته  
باید توجه داشت که تاکید بر ضرورت تشکلهای  
مخفی بسبب وجه معنای نفی مطلق و چشم  
پوشی از تشکلهای علنی و نیمه علنی که تود  
های کارگر را در بر میگیرد نیست بلکه بیان  
این واقعیت است که در یک چنین شرایط  
اختناق مرکز و کانون سازماندهی مبارزات  
کارگران نمیتواند علنی باشد .

امروز که چشم انداز خیزش مجدد توده  
- ها محتمل است باید به انجمن تشکلهای  
دست یافت کماز یکسوم مبارزات جاری و -  
خواستهای فوری طبقه را جوابگو باشد و  
از سوی دیگر همین سازماندهی پتانسیل  
ارتقاء و تبدیل به تشکلهای وسیعی که توان  
رهبری مبارزات وسیع و سراسری طبقه را در  
راستای برپائی اعتصاب عمومی سیاسی و  
قیام مسلحانه جوابگو باشد ، دارا باشد .  
یعنی تشکلهایی که از سوی خود را در چارچوب  
تنگ مبارزات خود بخود می ویرانند و کوششی  
محصور سازد و از سوی دیگر بر مبنای مضمون  
انقلابی خویش بتواند به شکل مورد اعتماد  
توده های وسیع کارگر در راستای انقلاب  
تبدیل گردد .

از اینروست که در عمل نیز کارگران پیشرو  
با آگاهی از روند اختناق و سرکوب شدیدی به  
سوی آن تشکلهایی تمایل پیدا میکنند که  
قادرباشد در عین مخفی بودن دارای ارتباط  
وسیع بانوده کارگران باشد . و از این نظر نیز  
تشکلهای مخفی ، در شرایط اختناقی شدیدی  
ضرورت خوش رطبان میازد .

۳- عدم وجود تشکلهای صنفی کارگران  
در سطح وسیع

نگاهی به تاریخچه سیر تحول تشکلهای  
صنفی کارگران و کارائی آن در شرایط مختلف  
میتواند در این رابطه بسیار مفید باشد .

با استقرار نظام سرمایه داری و شکل گیری  
طبقه کارگر ، مبارزه طبقاتی میان دو طبقه  
سرمایه دار و کارگر بر سر تقسیم محصول بدست  
آمده از کار کارگران نیز آغاز میگردد . کارگران  
برای مقابله با روند بی وقفه و پایان ناپذیر  
فشار سرمایه در جهت کاهش دستمزدها و  
افزایش ساعت کار موفقی میگردند تشکلهای  
صنفی خویش را ( سندیکا و اتحادیه ) در -  
مقابله با این روند برپا دارند . و حتی مجوز  
قانونی برای این تشکلهای صنفی کسب  
نمایند .

" سندیکا ها در حله اول توسط کوشش  
- های خود بخودی کارگران برای از بین  
بردن مصادف اول محدود کردن این رقابت  
و برای بهبود بخشیدن بشرايط کار  
قرار دادی حداقل بهیچرتی برتر از شرایط  
بردگان صرف ، بوجود آمد . و همین دلیل  
هم هدف آن به مطالبات روزمره ، بوساقل  
دفاع در مقابل تجاوزات بی وقفه سرمایه ، و  
خلاصه بصایل مزد و زمان کار محدود میشد .  
این نوع فعالیت سندیکا ها نه فقط مشروع  
بلکه ضروری است . تا هنگامی که شیوه  
تولید کنونی باقی است نمیتوان از این  
فعالیت چشم پوشید . " ( از قطعنامه های  
نخستین کنگره انترناسیونال اول ، ژنو  
۱۸۸۶ - مارکس ) .

اما این نوع اخیر فعالیت " کارگران یعنی  
- مبارزه در راه مطالبات روزمره و دفاع در  
مقابل تجاوزات بی وقفه سرمایه و خلاصه مزد  
و زمان کار " در کلیه جوامع به يك شکل و از  
طریق سندیکا و بقیه در صفحه ۱۲

سیاسی در جوامع سرمایه داری وابسته ،  
یعنی دیکتاتوری عریان ، اشکار کرد . خفقان  
سرکوب و کشتاری که رژیم جمهوری اسلامی ،  
پس از ، خرد او برآه انداخت با هیچیک  
از دیکتاتوری های عریان اعمال شده در  
جوامع سرمایه داری وابسته قابل قیاس  
نیست . چرا که رژیم بانفوق ارگانیک این  
نوع دیکتاتوری با دیکتاتوری حکومتی  
مذهبی قرون وسطائی ( از موضع بهره وازی  
عقب مانده و منظور تحمق و سرکوب توده -  
ها توسط قوانین الهی ) ، ویژگی خاص  
خود را در حکومتی دیکتاتوری داراست .  
به این ترتیب که رژیم جمهوری اسلامی  
برای بازسازی و حفاظت از مناسبات  
سرمایه داری ، نه تنها پیشرو های فریب  
و سرکوب رژیمهای " دیکتاتوری " جوامع  
سرمایه داری وابسته اشکار دارد ، بلکه  
مذهب و اعتقادات مذهبی توده هارا نیز  
برای تشدید تحمق ، فریب و سرکوب  
توده ها بخدمت منافع اقلیت بهره وازی -  
در آورد ماست .

اعمال این چنین جواختنال و سرکوب  
و خشیانه علیه ابتدائی ترین حقوق کارگران  
از سوی رژیم ، در اشکال مبارزات سازمان -  
یابی کارگران در مقابل با استثمار توده سرمایه  
و دولت حامی سرمایه داری وابسته  
نمی توانست بی تاثیر باشد . زیرا که در این  
تشدید جواختناق ، دانش فعالیت و کارائی  
تشکلهای علنی کارگران کاهش پیدا میکند و  
دیگر این تشکلهای ( حتی در همان محدوده -  
خود ) قادر نیستند مستقیماً رژیم را مورد حمله  
قرار داده و توده های وسیع کارگران را علیه  
آن مبارزه برانگیزند . زیرا که در چنین  
صورتی رژیم اختناق و ترور جهت سرکوب  
تشکلهای علنی دستش کاملاً باز است .

در شرایطی که هر اعتراضی و طرح هر  
خواستی ای از سوی کارگران سرکوب میگردد  
و اعتصاب آنان نه تنها غیر قانونی و مستحق  
شد بدترین مجازاتها ، که علاوه بر آن تمهید  
شرعی " و بمنزله مخالفت با اسلام قلمداد  
میشود ، واضح است که سازماندهی مبارزات  
و اعتصابات کارگری نمیتواند عمدتاً از طریق يك  
سری تشکلهای علنی قابل تحقق باشد .  
مضافاً تجربه پس از ۳۰ خرد ادعلا نشان داد  
که تداوم تشکلهای علنی باعث شناخته  
شدن هر چه بیشتر کارگران پیشرونده و رژیم  
با دستگیری و اخراج تعداد کثیری از این  
کارگران ، عملاً بقدر ارزیابی کارخانه هارا  
از وجود این قبیل کارگران ( که رهبران  
طبیعی توده های کارگر در کارخانه حساب  
می آیند ) تهی نمود و عبارت وازه های

### ۲- وجود شرایط اختناق

مبارزه طبقاتی در جامعه ما از آنجنان  
حدت و همتی برخوردار است که حاکمیت  
بهره وازی را بر روند استقرار اختناق و سرکوب  
عجین ساخته است . تحولات سیاسی چند  
سال اخیر نشانگران است که نمایندگان  
اقتدار مختلف بهره وازی در ایران ، هنگامیکه  
قدرت سیاسی را در دست ندارند ، شمار  
دگرگونی آزادی را طمع ای جهت  
رسیدن بقدرت قرار میدهند ولیکن هر یک  
از آنان پس از کسب قدرت سیاسی جهت  
حراست از منافع بهره وازی بطور اعم و حراست  
از منافع تشریحی که انرا نمایندگانی  
میکند - بطور اخص - در مقابل با کارگران و  
زحمتکشان به سیاست سرکوب و کشتار متصل  
میشوند . اصولاً رونمای سیاسی سرمایه داری  
وابسته ( بطور قاعده ) نمیتواند چیزی جز  
دیکتاتوری عریان علیه کارگران و زحمتکشان  
باشد . حاکمیت بهره وازی جدا از انحصار  
اختناق و سرکوب اساساً غیر قابل تصور  
است . در جامعه ما ( بهره ) این دیکتاتوری  
عریان زمانی گسسته میشود که توده ها در  
دوران انقلابی بفعالیت مستقیم انقلابی  
میردازند ، و جو سرکوب و خفقان را در هم  
میشکنند . از اینرو در جوامع سرمایه داری -  
وابسته و بهره جوامعی نظیر ما بهره وازی -  
اساساً قادر نیست مشروع اعطاء کند  
دگرگونی حتی بشکل نیم بند و سرودم -  
بریده آن باشد و کارگران و زحمتکشان تنها  
از طریق مبارزه با بهره وازی است که به  
دگرگونی آزادی دست می یابند .

در عین حال ، برای تحلیل مشخص از  
وضعیت کنونی نمیتوان فقط به ویژگی رونمای

## پیشش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

قرارداد، اما اعمال این شیوه در پاکستان که تجربه مردم ایران را پیش روی دارند قابل تحقق نیست.

## بحران . . .

بقیه از صفحه ۲

از اینرو تلاشهای مذبحخانه رژیم نظامی پاکستان در تحقق مردم و ملیس کردن رژیم حاکم در پیشش مذبح بانا کامی مواجهه شده است و این امر در شعارهای مردم آنجا که میگویند "تاکتی اعمال سرکوب و خفقان تحت لوای مذبح ضعیس است. اما اینکه مردم فریب تاکنیک فوق را نخورده اند بدان مفهوم نیست که بلافاصله این نتیجه گیری شود که رهبری پرولتری برجانبش حاکم است. چرا که بر اساس سیاست جهانی امپریالیزم مبنی بر "کمونیست زدائی" و همچنین عقب ماندگی تاریخی پرولتاریای کشورهای تحت سلطه نظیر پاکستان چه به لحاظ ساختاری و چه از جهت تعلقات مذهبی و عقب ماندگی فرهنگی، جنبش کمونیستی سازمانهای کمونیستی در پاکستان ضعیف است و طبیعی است که در چنین شرایطی جریانات وابسته به بورژوازی "لیبرال"، سعی در کسب رهبری جنبش و استفاده ازیتانسیل انقلابی بوده ها در کسب امتیازاتی از رژیم حاکم هستند و - سازمانهای دمکرات انقلابی نیز به دلیل ضعف جنبش کمونیستی به هژمونی بورژوازی لیبرال تکیه میکنند "جنبش اتحادیه دمکراسی" که متشکل از احزاب مختلف لیبرال دمکراتیک هستند هم اکنون رهبری تظاهرات و اعتراضات را برعهده دارند. محورخواستهای "جنبش اتحادیه دمکراسی" بر سه اصل استوار است ۱- برگزاری فوری انتخابات آزاد ۲- پایان بخشیدن به حکومت نظامی ۳- استعفای ضیاء الحق و آنها در مواردی مسئله کاهش اختیارات ریاست جمهوری را نیز مطرح کرده اند اما این شعارها هر چند در شرایط موجود در پاکستان بطور مقطعی جنبه های موقتی دارد اما اساساً شمارهای رفرومیستی است و با سطح مبارزات بوده ها انطور که در اخبار گزارشات منعکس است همخوانی ندارد و حتی عقب تر از است و بلافاصله در ذهن مردم ایران شعارهای نهضت آزادی و مبارزگان را در آستانه سقوط رژیم گذشته بیاد می آورد. و در اساس حفظ سیستم موجود را با تغییراتی مد نظر دارد.

جنبش اتحادیه دمکراسی در شرایطی به این خواستهها دل خوش کرده است که توجه ها با اعمال قهر انقلابی و حمله بمراکز ستعگری رژیم، حاکمیت پاکستان را نیز - سوال برده اند طبیعی است که در نبود یک الترناتیو پرولتری جنبش توجه ای به چنین جریاناتی روی آورد، اما اشکال مبارزات مردم بسیار فراتر از درخواستهای "جنبش" است باتوجه به وضعیت موجود و سیر تحولات، چنین بنظر میرسد که امکان

کمونی را تهدید کرد در اردک رژیم نظیر ایران باشند. از اینرو فرصت طلبانه سعی در اتخاذ مواضع بینابینی دارند یعنی از یک سو حرکات انقلابی بوده ها را محکوم میکنند و توجه ها را به شیوه های سالمت امیز مبارزه دعوت میکنند و از سوی دیگر رژیم پاکستان را به برگزاری سرعتر انتخابات ترغیب میکنند و وضعیت موجود را ناشی از برخی "اشتباهات" ضیاء الحق قلمداد میکنند و در هر حال وحشت خود را از جنبش توجه ای و حرکتهای انقلابی بنمایش میدارند.

در این رابطه نیز وظیفه انقلابیون کمونیست افشای ماهیت ارتجاعی و فرصت طلبانه ضد مردمی آنان است. آنچه مسلم است توجه ها در جریان مبارزه و تجارب عملی خود و تعمیق آگاهی خود که در پیوند با نیروهای انقلابی میراست قطعاً انقلابیون واقعی و سازشکاران را از یکدیگر سباز می شناسند و پیروزی قطعی خلق قهرمان پاکستان نیز در گرو آگاهی، تشکل، سازمان - یابی و هژمونی پرولتری برجانبش خواهد بود و این مجموعه عواملی است که منجر به سرنگونی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیزم حاکم بر پاکستان و برقراری حاکمیت کارگران زحمتکش خواهد شد.

عقب نشینی هایی از سوی دمکراتوری نظامی کاملاً محتمل است. گمانیکه ضیاء الحق پس از نشورت با هیئت امریکائی که در دومین هفته لغاز اعتراضات توجه ای برای بررسی وضعیت منطقه و بررسی کمکهای نظامی رژیم پاکستان به آن کشور داده بود و همچنین به دنبال مشورتهایی که ضیاء الحق با دیگر کشورهای مرتجع منطقه از جمله ترکیه و عربستان بعمل آورده است حاضر به قبول برخی از خواستههای مطرح شده است از جمله تسریع در برگزاری انتخابات و تغییراتی در کابینه که به غیر نظامیان نقش بیشتری داده میشود طبیعی است که این اعمال هیچگونه تغییری در سیستم موجود و وضعیت توجه ها ناپدید نخواهد آورد و تاکنیکی عوامفریبانه و فریبکارانه بیش نیست.

پاسخ انقلابی مردم در قبال بازیدها - ی اخیر ضیاء الحق از شهرهای ایالت سند به اینگراچ نفرت و انزجار بوده ها از رژیم حاکم است. مردم نه تنها اسکورت ضیاء - الحق را تسکین کردند بلکه با فرستادن گله ای الاغ در مسیر حرکت وی، سیاستهای تحمیق و فریب رژیم را محکوم نمودند.

در چنین شرایطی که موج حرکات انقلابی توجه ها بسیار پیشرفته تر از رهبری "جنبش اتحادیه دمکراسی" است و دلیل موضع طبقاتی این "جنبش"، امکان سازش و تکیه با کسب برخی رفرومها چندان بعید نی نماید، وظیفه انقلابیون کمونیست و نقش آنان در جنبش انقلابی بسیار اهمیت است. اساساً کمونیستها هیچگاه بصرف اینکه در راس - جنبش قرارند آرند، از شرکت در مبارزه - انقلابی سرباز نمی زنند. دفاع قاطعانه از هرگونه جنبش توجه ای انقلابی و شرکت فعال در مبارزات توجه ها و تلاش در جهت ارتقاء خواستههای آنان و تد اوم مبارزه تا سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیزم حاکم بر پاکستان و برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان وظیفه همیشگی انقلابیون کمونیست است. و البته این وظیفه محدود به انقلابیون پاکستانی نبوده و یک وظیفه انترناسیونالیستی کلیه کمونیستهای مقیم در پاکستان میباشد.

در وضعیت موجود مرتجعین مذهبی و احزاب اسلامی پاکستان که تاکنون حمایت بی چون و چیرائی از رژیم پاکستان داشته اند سعی دارند از جنبش موجود سود جسته و امتیازاتی نیز نفع خود کسب کنند و چنانچه جنبش در سر رشد یابد خود حیات رژیم

## با کمکهای مالی خود

## سازمان را یاری رسانید

### کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۵۰۰۰	س - ص ۱۲۳
۵۰۰۰	۱۲۵
۵۰۰۰	روستای نوکنده
۱۰۰۰۰	بدون کد
۱۰۰۰۰	رفیق هادی
۲۰۰۰۰	ن - ۳۲
۳۰۰۰	رفیق سعید شریفی
۲۰۰۰	رفیق عزیز یار احمد
۱۰۰۰	رفقای دولت آباد
۳۰۰۰	فیلیکس
۱۰۰۰۰	د - ۱۰
۱۰۰۰۰	داریوش
۱۰۰۰	س - ۳۰۰
۱۰۰۰۰	داریوش
۱۰۰۰	س - ۳۰۰

۴ ساعت کار، ده ده تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



### جنبش انقلابی . . .

بقیه از صفحه ۱۴

میکرند طی این مدت جاشهای قباد ه موقت واقع در روستای شیخان به کمک مزدوران که مقاومت مذبحخانه ای میکردند آمدند اما کاری از پیش نبرد و فرار میکنند و شهرکاملا به تصرف پیشمرگان در می آید. در این حملات عده ای از پیشمرگان در داخل شهر باقی نماندند و یک باب در آنجا کار میگرداند که پس از مدتی منفجر شده و در خودرو منهدم و به ساختمان خسارتی وارد میکند پیشمرگان پس از تسلط کامل بر شهر برای مردم سخنرانی میکنند و سبانه پایان رساندن این عملیات قهرمانانه بدین هیچ تلفاتی سالم به پایگاههای خود باز میگردند.

باز هم مرداد - در جریان حمله پیشمرگان به پایگاه دشمن در منطقه برده - بوک بانه ۳۰ نفر از مزدوران دشمن کشته شدند که جسد جاش معروف منطقه بنام هشیار فرزند مجید هم در بین آنها بود. - غنائم بدست آمده ۲ قبضه ژ- ۳ ۸ خشاب ژ- ۳، ۳۵۰ فشنگ ژ- ۳ بود در این درگیری یک سرباز با ۱۰۰ فشنگ و یک قبضه ژ- ۳ به پیشمرگان پیوست.

پنجم مرداد - از ساعت ۵ صبح روستای مزان واقع در جنوب شرقی سنندج مورد تهاجم سپاه ارتش قرار گرفت. طی این نبرد که ۱۹ ساعت بطول انجامید رژیم پس از هر حمله مجبور به عقب نشینی شد و علی رغم ستونهای متعدد نفرات ارتش که پیای به منطقه اعزام میشدند و علی رغم تلاشهای زیادی که دشمن از هرسو برای تصرف روستا میکرد با مقاومت قهرمانانه پیشمرگان روبرو شده و به مواضع قبلی بازگشت.

ششم مرداد رژیم حمله وسیعی را همراه با هلیکوپتر توپ و خمپاره در ساعت ۴ صبح به روستای قره قشلاق در منطقه مهاباد آغاز کرد. این نبرد ۸ ساعت طول کشید و طی این مدت نیروهای یکی رژیم از شهرهای مهاباد، بوکان و میاندوآب وارد درگیری شدند اما کوشش رژیم برای دستیابی به این روستا با مقاومت پیشمرگان روبرو شد و باجا گذاشتن ۱۰۰ کشته شکست مفتضحانه ای خورد و مجبور به عقب نشینی شد. در میان کشته شدگان اجداد فرمانده گروه ضربت مهاباد بنام احمد حسینی و فرمانده سپاه پاسداران میاندوآب شناسایی شدند. در این درگیری غنائمی هم بدست آمد. در این نبرد نابرابر ۱۰ پیشمرکه حزب دمکرات شهادت رسیدند. همچنین روستا

توسط رژیم باتوپ بمباران ویران شد و یک دختر بچه شهید و ۲ تن از اهالی زخمی شدند.

هفتم مرداد - یک زحمتکش کوره خانه در منطقه سردشت بجزیم همکاری با پیشمرگان توسط جاشهای قباد ه موقت دستگیر میشود که پس از شکنجه او اعدام میکنند.

هشتم مرداد - دشمن تعدادی از پیشمرگان را که به روستای کوره دره در منطقه سنندج آمده بودند محاصره کرد. پیشمرگان با یک حمله ضربتی موفق به شکستن حلقه محاصره شدند اما یکی از آنها موفق به فرار از درگیری نشد و به تنهایی ۸ ساعت تا آخرین فشنگ با دشمن جنگید و سپس به اسارت دشمن درآمد و در مقابل روستائیان اعدام شد.

در شهر سقز از روز ۱ مرداد تا ۲ مرداد ۲۱ نفر از فرزندان قهرمان خلق بجزیم ها سی اعدام شدند. بدنیال اعدام این عده شهر سقز بحالت نیمه تعطیل درآمد و خانواده های اعدام شدگان جلوی سپاه پاسداران تجمع کردند و شعار مرگ بر خمینی دادند و طرف پاسداران حمله کرده و یکی از این مزدوران را شدت کشت میزنند. پاسداران جنايتكار سپاه که از حرکت مردم شدیداً ترسیده بودند مردم را به رگبار بسته و آنها را پر اکند ساختند. مردم بدنیال این حرکت وحشیانه دسته دسته بخانه خانواده های شهدا رفتند و شهر همچنان بحالت نیمه تعطیل باقی ماند و دکاند آران علی رغم تهدیدهای رژیم حاضر به باز کردن مغازه هایشان نشدند.

یکی از فرزندان مبارز خلق بنام درویش خدر پس از سه سال تحمل شکنجه در زندان بانه با ۵ کلوله اعدام شد.

چهارتن از فرزندان قهرمان خلق به نامهای عمر شیخ زاده، خدر خدری، رسول بانوی و علی عزیزی که در زندان بانه با اعدام محکوم شده بودند در روز ۱۳ مرداد از زندان فرار کرده و خود را به منطقه آزاد شده رساندند.

رژیم ایران و عراق منطقه پیرانشهر را بشدت بمباران میکنند که بر اثر این بمباران - ها خسارات زیادی به این شهر و روستا - های اطراف آن وارد آمده و تعداد زیادی از مردم این ناحیه شهادت رسیده و سوار آواره گوهشاده اند.

در شهر سقز رژیم در کوجه ها و خیابانها خانه ها جوانان شهر را قتلگير کرده و دستگیر میکند تا بزور برای سرسازی به پارک آنها ببرد. در این رابطه عده ای از جوانان برای فرار از سرسازی بمناطق

آزاد شده آمده و به پیشمرگان پیوستند.

روز ۱۲ مرداد اهالی روستای قصبه در نزدیکی شهر بانه شاهد کشته شدن یکی از زحمتکشان این روستا بدست مزدوران سپاه بودند. پاسداران بر سر کشتن این روستایی بی دفاع با هم شرط بندی کرده و سپس دست به این عمل وحشیانه زدند. مردم روستا بدنیال این حرکت جنايتكارانه سپاهیان اسلام دست به تظاهرات زدند به طرف آنها حمله میکنند. این مزدوران بزدل که روحیه خود را باخته بودند به طرف مردم تیراندازی میکنند تا مانع حرکت آنها شوند ولی نتیجه اینکار تنها شترکشت زنان و کودکان در تظاهرات متهمی میشود پاسداران که می بینند تیراندازی بطرف مردم فایده ای ندارد نبردی ککی خواسته و بدینوسیله اعضای شورای روستا دستگیر میکنند. روز بعد اهالی روستا برای آزادی زندانیان بطرف شهر بانه راهپیمایی میکنند.

دوم مرداد - چند دسته از پیشمرگان جاده سردشت - پیرانشهر را بطول ۴ کیلومتر تحت کنترل خود میگیرند و اولین دسته محافظین جاده را بدست می آورند پس از شروع درگیری نیروهای دشمن از کلبه پایگاههای اطراف به محل درگیری میروند و دامنه درگیری به تمام روستاهای اطراف کشیده میشود پیشمرگان دشمن را تا پایگاههای دارسارین و بازرگان عقب میرانند و پایگاه بازرگان را نیز آتش گرفته عده ای از مزدوران داخل آنرا بمباران میکنند. در جریان این درگیری دشمن که قصد از بین بردن پیشمرگان را که بداخل روستاهای اطراف رفته بودند داشت روستاهای بازرگان و ملین را نیز آتش زد و خمپاره گرفته که ضربه شهادت بک روستایی زخمی شدن ۲ نفر از اهالی روستای ملین شد. در این نبرد ۴۰ نفر از مزدوران دشمن کشته و دهها تن زخمی شدند هم چنین ۱۴ اسیر و ۱۳ جسد بدست پیشمرگان افتاد غنائم بدست آمده عبارتند از ۱۶ فشنگ ژ- ۳، ۳ دستبرابر ژ- ۳، یک تفنگ اس، آره آره - ۱۸ نارنجک، دو بیسیم و یک دوربین.

در اولین ساعات صبح چهاردهم مرداد رژیم یورش وسیعی را به منطقه انزل از توابع ارومیه شروع کرد پیشمرگان پس از اطلاع از حمله رژیم، بلافاصله به چندین واحد رزمند تقسیم شده بمقابله با دشمن پرداختند. درگیری شدیدی بین پیشمرگان و نیروهای دشمن بوجود می آید که دامنه آن به تمام ارتفاعات منطقه کشیده میشود. زحمتکشان مسلح منطقه در این جنگ بکمک پیشمرگان آمده و در تمام جبهه ها در مشرف دوش آنها جنگند. پیشمرگان پس از دو روز نبرد قهرمانانه بقیه در صفحه ۱۳

## حقوق ملل در تعیین سرنوشت خود



نزد يك به پنجسال از حكومت ضد بشری خمینی و دستیاران جنایتكارش (تجار و سرمایه‌داران زالو صفت) می‌گذرد و بیش از چهار سال از روزیكه حكومت وابسته به امپریالیسم شاه جنایتكار در اثر قیام خونین خلق درهم فرو ریخت سپری می‌شود. هنوز خلقهای زحمتکش ما بیاد دارند كه چگونه شاه باچشمی گریان همراه خاندان كجوف خود سوار هواپیمای عازم دیار اربابان خود گردید. هنوز ظنین شعارهای كونده مرگ بر شاه - مرگ بر امریکا - مرگ بر بختیار نوكر بی اختیار در گوش مردم باقی است و هنوز لحظات فراموش‌نشده قیام مسلحانه خلق در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ و تسخیر مراکز دولتی - رادیو تلویزیون - كلاتریمها - پادگانها و ۰۰۰۰ از خاطرها محو نگشته و هنوز شعارهای استقلال - كار مسكن - آزادی بر دیوارهای شهرها برجای مانده است و خاطره گرامی و پرشكوه سنگرهای خیابانی در ذهن توده‌ها بعنوان يك تجربه ارزنده زنده است. حال چگونه است كه پس از گذشت نزد يك به ۵ سال این خادمان امپریالیسم امریکا ( شاه فراری با گاری [بختیار نوكر بی اختیار] دایه مهربانتر از مادر شده و برای خلقهای زحمتکش ما اشك تمساح می‌ریزند؟ چه شده كه اومسی جلاد خلق كرد - امینی نوكر امپریالیسم بختیار نوكر صفت همراه توله فراری شاه مجدداً " بفكر خلقهای محروم این مملكت افتاده‌اند؟ در حالی كه هنوز خیابانها - كوچه‌ها و كوهها و دشتهای میهن ما از خون فرزندان دلاور این مرز و بوم كه بدست دار و دسته شاه خائن به شهادت رسید مانده رنگین است گمان می‌كنند كه همه این جنایتها بفراموشی سپرده شده است؟ خلقهای محروم میهن ما هیچ وقت فراموش نكردند كه چگونه رژیم جنایتكار وابسته به امپریالیسم شاه برای رساندن ایران به باصطلاح دروازه‌های تمدن بزرگ و ادامه وضع فلاكت پارت و چپاول خلق توسط امپریالیستها از هیچ كوششی در جهت سركوب خلق و ادامه خوشخدمتی به امپریالیستها فریگذار نكرد. كشتار نزد يك به ۵۰ هزار نفر در آذربایجان و كردستان در سالهای ۲۵ و ۲۶ اعدامهای دسته‌جمعی پس از كودتای ۲۸ مرداد - كشتار قیام ۱۵ خرداد - بگلوله بستن كارگران جهان چیت كرج در سال ۵۰ - اعدام و شكستهای قرون وسطائی انقلابیون در سیاهچاله‌های آریامهری - قتل عام مردم در ۱۷ شهریور - ۱۳ آبان ۵۷ و غیره ۰۰۰ از آن جمله‌اند. ضد انقلابیون سلطنت طلبیبه عبت به تك و تا افتاده و تلاش می‌كنند تا با استفاده از ناراضی‌نمی عمومی نسبت به حكومت ضد خلقی جمهوری اسلامی و خانتها و جنایتجویی بوشطر آن چنین وانمود كنند كه گویا بهشت موعود را آنها می‌توانند به خلقهای محروم ارزانی دارند. غافل از اینکه خلق قهرمان ایران در كنوان مبارزات آبدیده شده و ضمن اینکه ضد انقلاب خمینی را همانند آنها به زباله‌دانی تاریخ خواهد فرستاد جرات نفس كشیدن مجدد را هرگز به ضد انقلاب سلطنت طلب نخواهد داد. چرا كه ضد انقلاب سلطنت طلب با ضد انقلاب خمینی وجه اشتراك فراوان دارند. هردو طرفدار سرمایه‌داری‌اند - هردو حافظ منافع امپریالیستها بسرگردگی امپریالیسم امریکا در ایران هستند. با این تفاوت كه ضد انقلاب سلطنت طلب بطور علنی روابط خود را با امپریالیستها اعلام می‌كرد ولی ضد انقلاب خمینی بهتر می‌بیند كه شعبده‌بازی درآورده در ظاهر مرگ بر امریکا بگوید و در باطن و یواشکی سیل وسایل نظامی و كالاهاى بنجل ساخت امریکا آریاها این را با ایران سرازیر كند. هردو ضد انقلاب دشمن شماره يك كارگران - دهقانان و كلیه زحمتكشان این كشورند و هیچكدام لحظه‌ای نسبت به وضع فلاكتبار توده‌های زحمتکش نمی‌اندیشند. هردو ضد انقلاب فقط و فقط یوسیله ترور - خفقان و زهر سرنیزه می‌توانند به حكومت ننگین خود ادامه دهند به همین دلیل است كه خمینی جلاد ارتشی را كه در خدمت شاه دهها هزار نفر را پخاك و خون كشیده بود در همان روزهای اول پیمای تمطیر كرد تا بتواند ابزار سرکوب را دست نخورده نگهدارد. او هیچوقت حكم جهاد علیه شاه و دار و دسته‌اش نداد ولی هنوز از كرد راه نرسیده حكم جهاد را علیه خلق قهرمان كسرد صادر كرد. ساوك را بغمت گرفت. دوباره سیاست سرکوب‌زندان و اعدامها را در مورد انقلابیون بكار گرفت. بدین ترتیب ضد انقلاب سلطنت طلب و ضد انقلاب خمینی برآستی د و روی يك سكمانند و هردو يك رسالت را دنبال می‌كنند و آن اعمال سرکوب و فریب‌طیه خلق و خدمت به سرمایه‌داران و انحصارات امپریالیستی است.

### هم‌میهنان مبارز! كارگران و زحمتكشان

به تبلیغات موافق‌بیانه ضد انقلابیون رنگارنگ از جمله ضد انقلابیون سلطنت طلب گوش فرمائید. اینها ما مهربت دارند تا افكار عمومی را منحرف كرده امر مبارزه تا پیروزی نهائی كارگران و زحمتكشان را

بتعمیق اندازند آنها را بیرحمانه افشاء و از خود طرد کنید .  
اینبار کارگران و زحمتکشان خود بایستی سرنوشت خویش را در دست گیرند . بایستی به آنهاست اعتماد کرد که نماینده واقعی کارگران و زحمتکشان بوده و نسبت به خواسته‌های خلق برنامه مشخصی داشته و در جهت تحقق آن تا آخرین قطره خون خود بیکار می‌کنند . برای اینکه یکبار دیگر مبارزات و جانفشانی‌های شما توسط دشمنان شما به کجراه کشیده نشود تنها به طبقه کارگر و گردانهای پیش‌آهنگ آن اعتماد کنید .  
برای پیروزی حتمی متحد شوید .

کارگران لدر کمیته‌های مخفی کارخانه متشکل شوید  
زحمتکشان لدر هسته‌های مقاومت محلی متحد شوید  
سربازان و درجه‌داران و افسران جزه‌لبه هسته‌های مقاومت درون ارتش ملحق شوید  
برای یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه آماده شوید .

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا  
و پایگاه داخلی  
مرکز بر فریبکاران  
مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق  
سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران  
کمیته کارگری شمال و آذربایجان  
۱۳۶۲/۶/۲۰



بقیه از صفحه ۴

## پیام و رهنمود . . .

در حقیقت دانش آموزان بعنوان بخشی از روشنفکران ضعیف کننده عمده ترین گروه بندی های سیاسی در سطح جامعه هستند. این انعکاس و انطباق البته به هیچوجه نه بمعنای انطباق نسبت و در حد مشخص گروه بندی های دانش آموزی سیاسی گروه بندی های اجتماعی از نقطه نظر قدرت و تعداد آنها، بلکه بدین مفهوم است که همان گروه بندی های سیاسی که در جامعه وجود دارد، کمابیش درین دانش آموزان (به ویژه در سالهای بالاتر) نیز وجود دارد.

ایرادی که ممکن است در اینجا گرفته شود اینست که تقسیم بندی فوق، چرا که با تقسیم بندی طبقاتی در جامعه منطبق نیست در جواب باید گفت که علت در سطح رشد مبارزات در عرصه جامعه نهفته است و افت نسبی این مبارزات، یعنی درست است که تقسیم بندی به طبقات پایه ریشه ای گروه بندی های سیاسی است و این درست است که در تحلیل نهائی تقسیم بندی طبقات تعیین کننده گروه بندی های سیاسی است اما این پایه ریشه ای فقط در حرکت تکامل تاریخی و همراه بارش هر چه بیشتر آگاهی کسانی که سازنده این تکامل تاریخی هستند کاملاً آشکار میشود. مبارزه سیاسی طبقاتی حادث است که شکل نهائی بان می بخشد.

البته اگر کمی بیشتر وقت کنیم خواهیم دید که در همین تقسیم بندی و گروه بندی صف بندی و گرایشات طبقاتی قابل تشخیص هستند. مثالی تفاوتها و آکادمیسیست ها که نزدیک زیادی باید یکدیگر دارند اکثر از اقلیت متوسط و بالای خرده و بوزاری متشکل هستند که بارش مبارزات اقلیت بالا هر چه بیشتر سمت انزوا و منفرد شدن پیشرفته و اقلیت متوسط بیشتر به مبارزه صنفی و حتی سیاسی روی خواهند آورد. در مورد هواداران گروه های شرقی و انقلابی کمونیست، سلطنت طلبان و همچنین طرفداران هواداران رژیم نیز که گروه بندی ها بسیار منطبق بر صف بندی های سیاسی و طبقاتی در جامعه است.

در مجموع اما، کاملاً نشان داده شده که اکثریت دانش آموزان نسبت به مسائل صنفی به این یا آن درجه در حرکت های صنفی شرکت میکنند (میزان و درجه آن بستگی زیادی به همان صف بندی های سیاسی و طبقاتی دارد).

در بین این گروه بندی ها تنها هواداران گروه های شرقی و انقلابی کمونیست در حرکت های سیاسی علیه رژیم در مقطع کنونی بخاطر افت نسبی مبارزات البته بشکل محدود و بارش جنبش بطبقاتی فعالیت میکنند. حاضر بعمل بقیه در صفحه ۱۰

جنبش چریکهای دانش آموزی حتی در ابعاد صنفی و صرفاً آکادمیک نیز تفاهت و نشان میدهند و در آنها شرکت نمیکنند. ۲- آنهایی که مالک آکادمیسیست ها را میدهند که تنها صرفاً حاضر به شرکت در حرکت های هستند که بیکری مسائل صنفی و آموزشی و آکادمیک را در چارچوب مدارس و عمدتاً تا حد معینی در دست خود دارد. ۳- مخالفین هرگونه حرکت از سوی دانش آموزان که اساساً از طرفداران رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران انجمن اسلامی متشکل هستند. ۴- هواداران حزب توده و اکثریت که جزء حامیان رژیم عمل میکردند و اکنون بخش زیادی از آنان به خاطر سرکوب شدن تحولات جدید، حالت منزوی و منفرد یافته و به جمع بی تفاوتها پیوسته اند. بقیه آنها همچنان بطرفداری خود از رژیم ادامه میدهند. در میان هواداران اکثریت و حزب توده در حد معینی در حرکت های کاملاً محدود و صنفی شرکت میکنند و در مجموع میتوان هواداران این دو گروه را در مقطع کنونی در گروه بندی حامیان رژیم (مورد ۳)، آکادمیسیست ها (مورد ۲) و عمدتاً در گروه بندی ۱ یعنی بی تفاوتها مشاهده کرد. ۵- اینها هم چون ضد انقلابی (ضد انقلاب مغلوب و بوزاری بزرگ) که به هیچوجه حاضر به شرکت در مبارزات و حرکت های شرقی نبوده و اهداف خویش را دنبال میکنند که عبارتست از بخش شایعات سلطنت طلبی و اشاعه روحیه پانس و انتظار برای کودتا و... در حد معینی از این گروه در حرکت های صنفی محدود شرکت میکنند ولی عمدتاً نسبت به حرکت های صنفی بی تفاوتی نشان داده و کاملاً با حرکت های سیاسی مخالفند. ۶- سیاسی های هواداران نیروهای شرقی و انقلابی که خود به دو بخش تقسیم میشوند: الف- در کنار آنها کمونیستها که موافق و خواستار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند و در حرکت های صنفی فعال و در مسائل سیاسی نیز جبهه گیری دارند هر چند که بخاطر افت نسبی مبارزات در سطح جامعه و بویژه در مدارس حرکت های سیاسی عمده ای در مدارس صورت نمیگیرد.

همانطور که گفتیم این گروه بندی ها عمدتاً هم بر اساس جریان های سیاسی و هم از نظر میزان و چگونگی شرکت افراد در حرکت های صنفی - آکادمیک و سیاسی بوده است.

در سطح کل جامعه میباید در امر تبلیغ انقلابی اما نتیجه بیک نکته فوق العاده اهمیت دارد اینکه محور قرار گرفتن تبلیغ برای افشای رژیم و ضرورت سرنگونی آن امروز بسیار کم شده و اکثریت عظیمی از مردم در سطح جامعه و همچنین توده های دانش آموز از رژیم جمهوری اسلامی به محور قرار گرفتن کبار تبلیغی و ترویجی حول نحوه سرنگونی آنچه باید جایگزین این رژیم شود تکامل یافته است. در امر چگونگی پیشبرد امر تبلیغ سلسله مقالات تبلیغ و نقش آن، ارگان سازمانی و نقش آن و خطاب به مصلحین میتواند دستمایه مناسبی برای روشهای تبلیغ بدست رفته باشد.

۳- رفقا میباید سیاستهای معینی را در جهت انزوا و بازهم بیشتر عوامل انجمن اسلامی و جاسوسها به پیش برند. برخی از برنامه های اجباری و حتی غیر اجباری و لسی مورد تشویق مسئولین و عوامل مزدور رژیم به نتیجه به روحیه و آمادگی دانش آموزان مورد تحریم قرار دهند. در این رابطه رفقا میتوانند در جهت ایجاد تیمهای ورزشی و فعالیتهای فوق برنامه صنفی ولی مستقل برای بسیج توده دانش آموزان حرکت نمایند، حرکت هایی که اغلب بدون حضور مزدوران انجمنی و سایر عوامل رژیم قابل تحقق بوده و عمده زیادی از دانش آموزان را بسیج میکند.

۴- رژیم بسیاری از دانش آموزان ناآگاه را به کمک تبلیغات فریبکارانه خود به مصلح جبهه های جنگ ارتجاعی میکشاند و حتی اخیراً وعده دادن قبولی به تجدیدی های شهریه را در صورت رفتن به جبهه داده است. بایستی وسیعاً علیه جنگ ارتجاعی و اینگونه سیاستهای جنایتکارانه رژیم تبلیغ کرد و از پیشبرد سیاستهای آن ممانعت بعمل آورد.

۵- نکته حائز اهمیت وضعیت نیروها و گروه بندی یها در مدارس است. در حقیقت دانش آموزان را میتوان بچند گروه نسبتاً مشخص تقسیم نمود و اگر خواهیم از او سه میزان کیفیت شرکت افراد در حرکت های صنفی و سیاسی دانش آموزان را تقسیم بندی کنیم به موارد زیر خواهیم خورد:

۱- بی تفاوتها. آنهایی که نسبت به



هستند در عین حال که فعالانه از هم اکنون در هر کجای صنفی شرکت میکنند، و در این بین نیز کمونیستها و بیوزیه هواداران سازمان بایستی نقش درجه اول را ایفا کنند. این گروه بندی بایستی ضمن تحکیم اتحاد عمل بین فعالیتهای صنفی سیاسی خود ( البته با ترسیم خط و مرزهای معین سیاسی و تشکیلاتی ) بخش وسیعتری از دانش آموزان را که کامیابتر پتانسیل کشیده شدن به فعالیت صنفی و همچنین سیاسی را دارند ( و بعد تا از پایگاه خود به بیوزوازی متوسط میاشند ) بکشانند و ترغیب کنند. رشد مبارزات قطعاً بتدریج گروه بندی هارابه بی تفاوتها و منفرد شده ها، مخالفین سرسخت و واقعی رژیم برهبری کمونیستها و موافقین سرسخت رژیم ( که در اقلیت مطلق هستند ) سوق خواهد داد.

## پیام و رهنمود . . .

### بقیه از صفحه ۹

مقاومت مدرسه مشکل از سایر نیروهای مبارز و انقلابی و هواداران و حمایتگرانی که گروه های شرقی و انقلابی دیگر ارتباط با اینگونه عناصر عمل کنند. اینکار سبب خواهد شد تا در صورت بروز مشکل اضطراری و خطری برای کشته صنفی تنها فرد یا افراد معدودی از هسته سرخ هواداران سازمان دچار مشکل شوند.

البته در اینجا ممکن است یک دیدگاه سکتاریستی شکل بگیرد که مگر در همه و هر گونه شرایط اقدام به سازماندهی انقلابی و متلاکیمه صنفی مقاومت و همچنین پیشبرد امر مبارزه را منوط و مشروط بوجود یک یا چند هسته سرخ هواداران سازمان بعنوان یک پیش شرط میاشد در حالیکه این درک درست نیست. چرا که در مدارس با مناطقی ممکن است مابهرعلتی ( از جمله پراکندگی یا نبود نیروی ابتدایی یا گان و مشکلات دیگر ) قادر به ایجاد آن هسته سرخ نباشیم و بهیچوجه هم نباید تا تشکیل چنین هسته سرخ منجمی منفعلی از مبارزه ماند. در این شرایط یعنی در حالیکه فقدان نیرو و شرایط لازم برای شکل دهی هسته سرخ مدرسه وجود دارد مابایستی فعالانه بدنیال تشکیل کیمه صنفی مقاومت با سایر عناصر مبارز باشیم.

البته تذکر یک نکته در اینجا لازمست که بهر رو این دو وظیفه یعنی تشکیل هسته سرخ منجم و ایجاد کیمه صنفی مقاومت بعنوان یک آرگانیم سازماندهی منسلور کنند و اتحاد عمل، برای پیشبرد مبارزاتی موفق الزامی است و این دو وظیفه در راستای

سطح بالاتر مبارزات صنفی و سیاسی در مدارس مناطق پائین و زحماتش نشین به نسبت مناطق مرفه نشانگر تاثیر تعیین کننده و نهائی صف بندی طبقاتی بر نحوه عمل و فعالیت صنفی سیاسی دانش آموزان است.

۶- باتوجه به این گروه بندیها مابایستی هدف اولیه سازماندهی ما در مدارس تلاش در جهت تحکیم گروه بندی سیاسی سازمان خودمان باشد تا هر چه بیشتر از پراکندگی کاری جلوگیری شده و یک یا چند هسته منجم و قوی از هواداران تشکیل گردد. اینکار باتوجه به اعتماد مبارزاتی که در جریان مبارزات گذشته بدست آمده و با یک آشنایی های قبلی، عملی و شدنی است. در همین رابطه مابایستی تقسیم کاری در هسته سرخ بوجود آید تا کارهای مربوط به تکثیر، توزیع صنفی و . . . شعار نویسی و . . . تهیه تراکت اعلامیه مناسب به پیش رود. ضمناً برخی از رفقای هسته سرخ مابایستی مسئولیت یابند تا در جهت ایجاد کیمه صنفی

هم و نه در نقطه مقابل هم، قرار آرند.

در هر شرایط، اما، وظیفه مابعضوان - هواداران و حمایت سازمان تلاش در جهت قبولاندن و اثبات نظریات و تاکتیکها و روشهای مبارزاتی برنامه سازمان است. ضناتوجه داشته باشیم که این تشکیلات میتوانند در جریان رشد مبارزه انقلابی در سطح جامعه و در مدارس وظایف خطیری در رشد شوراهای کنترل و اداره را بدست گیرند.

۷- اتحاد عمل با سایر نیروهای انقلابی چنانکه گفتیم، ضرورت برم این مرحله از جنبش است. اما این اتحاد عمل بدو زمینه سازی لازم و جلب اعتماد آنان در مورد حسن نیت و صداقت مبارزاتی ما و صحت نظر ایشان ممکن نیست به پیش برده شود. این اعتماد را در جریان مبارزه در سطح پائین تر و حتی صنفی مابایستی بنا کرد و برای فعالیت

های سیاسی مشترک زمینه مناسب بوجود آورد. البته اتحاد عمل ما تنها در صورتی ممکن و مجاز است که در راستای مواضع و ایده های سازمانی بوده و مالا اقل ناقصی برنسیبهای آن نباشد. همانطور که بدیش حتی و اساس نظریات مابسیاستی پیش فرض شرکت در یک مبارزه مشترک باشد. بهر رو در اینجا باید شدیدا با هرگونه سکتاریسم و جیب روی و راست روی در هر کجا مبارزه قطعی و قاطع کرد.

۸- معلمین و سایر مربیان شرقی نقش فعالی در جریان سرنگونی رژیم شاه و مبارزات دانش آموزان در گذشته و حتی پس از قیام بهمین ۷ علیه رژیم کمونی داشته اند. از همینجاست که رژیم بسیاری از معلمین و مربیان و دبیران شرقی و مبارزات صنفی های دسته جمعی از مدارس اخراج نمود تا قدرت و شتاب مبارزه در مدارس را کاهش دهد. بهر رو یکی از مهمترین وظایفی که در دستور قرار دارد تلاش برای ایجاد هسته

### رفقا! هواداران!

## برنامه عمل سازمان را بهتر طریق و ممکن در میان توده ها ببرد

- آنچه و توزیع تراکت ها و اعلامیه ها معاصر موجود در برنامه طرا برای توده ها بازگو کند.
- با تکثیر تمهیدات مختلف برنامه عمل توده ها و ارائه برنامه و نظرات سازمان آشنا سازد.
- با تهیه متن توضیحی مواضع سازمان را که در برنامه عمل ممکن است برای توده ها توضیح دهد.

فقط اینست قبالتی خود را که در این روش خود را به تبلیغ در توده ها عمل

سازمان را بیرون ببرد

زندانی سیاسی، به قدرت توده ها آزاد باید کرد.



# پیام و رهنمود . . .

بقیه از صفحه ۱۰

زحمتکش نشین و کارگری) کارگران هواداری که در هسته سرخ هستند و با همراهِ سایر نیروها و عناصر مبارز و آگاه در کمیته های مخفی مقاومت محلی متشکل شده اند و در اینجا به پیچیده هسته سرخ و کمیته مخفی مقاومت لازم نیست تنها و تنها از کارگران و پانتهالاز زحمتکشان پاروشنفران انقلابی تشکیل شده باشد، در کارخانه ها و واحدهای صنعتی که مشغول بکار هستند نیز هسته سرخ کارخانه و یا احتمالاً در کمیته مخفی اعتصاب کارخانه به همراه کارگران مبارز هوادار گروههای شرقی و انقلابی دیگر و سایر عناصر مبارز متشکل یافته اند.

اینجاست که مبارزات يك کارخانه به سرعت به مبارزات يك محله و شهرک و منطقه و . . . و به مبارزات مدارس و دانش آموزان و معلمین شرقی و انقلابی میتواند و باید پیوند بخورد.

رفقای دانش آموز! معلمین رزنده!

حال که بحران سیاسی و اقتصادی ابعاد وسیعی بخود گرفته و تضادهای رژیم بر سرترین بحرانها و در مبارزات توده ای درمانده اش ساخته، حال که افت موقتی مبرود تا پایان پذیرد و مبارزات توده ای - ابعاد گسترده و وکوفده ای بیاید حرکت در راستای شکل دهی اعتصاب عمومی سیاسی (از جمله اعتصاب در مدارس) و تدارک قیام مسلح توده ای در دستورات . بایستی در عین بکارگیری رهنمودهای فوق بیشتر - من سعی را در ایجاد تشکیلات انقلابی هر چه پرنفوذ تر و بالا بردن قدرت بسیج توده دانش آموزان و روحیه انقلابی آنها و ایجاد زمینه مناسب برای جذبشان حول شعارها و پرچم پرولتری و برنامه انقلابی سازمان بعمل آورد. این کار میر نیست طریا برنامه ریزی دقیق و بیکری انقلابی و کوششی همه جانبه.

رفقای دانش آموز! معلمین رزنده!

به همراه بیکری وظایف انقلابی خویش سازمان را در جریان فعالیتهای و گزارشات خود از مدارس قرار دهید تا یک آنها قادر به ارائه رهنمودهای علمی و انقلابی باشیم.

منحکم باد اتحاد و همبستگی دانش آموزان و معلمین مبارز ایران هر چه گسترده تر باد و پیوند جنبش دانش آموزی با جنبش کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دگرگرنیک خلق

جدی بعمل آورد و از همین لحظه نیز باید به فکر یافتن راههای مناسب بود.

۱۰- بویژه در شرایط فعلی که جو جامعه سیاسی است باید سعی نمود پیوندی هر چه وسیعتر بین مبارزان دانش آموزان و توده ها ایجاد نمود. در این جهت باید روندی در وگانه راه پیش برد. از سوسی باید مسائل توده ها را وسیعاً و بشکلی ملموس با مبارزات دانش آموزان گره زد. باید مسائل کارگران و زحمتکشان را وسیعاً در مدرسه تبلیغ نمود. باید بویژه مشخص نشان داد، شود رژی که آنان را سرکوب میکند، جو اختناق را بر میدارد و ارس حاکم میگردد و از هر گونه حرکت آنان میخواهد جلوگیری کند، همان رژی است که کارگران و زحمتکشان پدران و مادران آنها توده های خلیق را تحت فشار قرار میدهد و موجبات فقر و فلاکت عمومی، جنگ و . . . را فراهم ساخته است. از سوسی دیگر باید مسائل مشکلات دانش آموزان و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم را در مدارس بیان نمود. در این مورد تبلیغ این مسائل در خارج از مدرسه، در محلات، در میان خانواده ها که هر یک به نحوی با مسائل فرزندان دانش آموزان مواجه اند، بسیار مؤثر و ضروری است.

کک و همیاری بخانواده های زندانیان سیاسی و شهدای خلق و همکلاسی های انقلابی با رعایت مسائل امنیتی نیز از اهم وظایف است.

۱۱- همانطور که فوقاً گفتیم کار مبارزاتی دانش آموزان مبارز و انقلابی به پیچیده نییاستی محدود و به کار در مدرسه باشد. بلکه هر رفیق هوادار سازمان متشکل در هسته سرخ مدرسه در محله و منطقه مورد نظر خود نیز نمیتواند حتی المقدور باید جزء هسته سرخ آن محله یا منطقه بود و بدان نحو نیز مبارزات خود را ادامه دهد. درست بهمان گونه که در مورد رفقای متشکل در یک کمیته مخفی مقاومت در یک مدرسه و در یک محله صادق است.

با اتخاذ رعایت این روشها و اشکال سازماندهی است که پیوند واقعی و مادی بین مبارزات کارگران و زحمتکشان و دانش آموزان و سایر انقلابیون شکل گرفته و رقم خواهد خورد. این مسئله بویژه زمانی روشن میشود که بیاد آوریم در هر مرحله (بخصوص محلات

سرخ بین معلمین هوادار سازمان و همچنین کمیته مخفی در بین عناصر مبارز و شرقی معلم است. اما در همین حال بایستی برای ایجاد پیوند مستحکم تری بین معلمین و دبیران مبارز و شرقی و دانش آموزان شرقی و انقلابی و مبارزات در جریان در مدارس و همچنین کل مبارزه در سطح جامعه تلاش جدی نمود. در این راستا معلمین شرقی و مبارز و دانش آموزان انقلابی بایستی از طریق با آراهِ ارگانیک های سازمانی و با از طریق اعتماد متقابل که در جریان مبارزه نسبت بهم یافته اند، باید یکدیگر ارتباط گرفته و مبارزات خویش را هماهنگ سازند.

۹- مبارزه در مدارس و مبارزه در سطح جامعه بطور کلی تنها در صورتی بوقفیتها ی اساسی خواهد رسید که هر چه بیشتر جنبه گسترده و همه گیر و همه جانبه بیاید. در این رابطه برقراری پیوند بین مبارزات دانش آموزان و معلمین مبارز در مدارس مختلف - بایستی حتماً به پیش برد شود.

مکانیزم عملی این کار مانند آنچه فوقاً گفتیم با از طریق مکانیزمهای سازمانی و تشکیلات سازمانی است و با از طریق آشنایی های مبارزاتی قبلی بین معلمین و دبیران شرقی در مدارس مختلف یاد دانش آموزان مبارز که در استان و رفقای مبارزی در سایر مدارس دارند. بکک این ارتباطات که حیاتی با رعایت کامل ضوابط امنیتی صورت گیرد و گرنه در صورت وقوع ضربه، ضربه فقط بیک مدرسه محدود نخواهد ماند) مبارزه حول خواستهای شخصی هیچگاه الزاماً در سطح یک مدرسه محدود نخواهد ماند و تازه از طریق این ارتباط - است و گسترش منطقی و مبارزاتی آن، پیوند مبارزات مدارس با مبارزات در سطح کارخانه ها، محلات، روستاها و . . . و به طور کلی در سطح جامعه بهتر ضحقی خواهد شد.

رفقای دانش آموز و معلمین مبارز مسلماً باید بخاطر در اشتباه باشند پیوند رزنده ای را که بین مبارزات آنان و دانشجویان در جریان سرنگونی رژیم گذشته بوجود آمده برقراری این پیوند آنطور که باید و شاید هر چند در شرایط کنونی باتوجه به وضعیت دانشگاهها محتمل نیست ولیکن در صورت ایجاد امکان بایستی در این راستا اقدام

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دگرگرنیک خلقهای ایران



اتحاد بهای کارگری تحقق نمی‌یابد و در کشورهای که شرایط اختناق حاکم است تشکلهای خاصی بخود میگرد .

هر چند که سند یکا و اتحادیه بمثابة يك تشكلی مخفی در بسیاری از جوامع قریب ( اروپا و آمریکا ) مشرویت قانونی کسب نمود مانند حتی جنبش طبقه کارگر در تداوم خصوصی قادر گردیده در جوامع تحت سلطه آمریکای لاتین نظیر برزیل ، بولیوی و شیلی و غیره . . . به این شکل هادست یابد ، بگونه ای که اخیرا شاهد آن بودیم که چگونه کفدراسیون اتحادیه های کارگران مس شیلی با دعوت به یک راهپیمایی ضد دولتی قادر گردید در هبازانفرار خیابان ها کشد ، و این نمونه هابیانگران است که در بسیاری از جوامع کانون تشكلی سازمانیابی توده ها از طریق این تشکلهای صنفی - عملی صورت میگیرد . ولیکن این روند در - تمامی کشورهای یکسان قابل استفاده نبوده و در جوامعی که این تشکلهای غیر قانونی میباشند ، توده های اشکال نهنسی از سازماندهی روی آورند که در ضمن پاسخ - گویی به ضروریات مبارزه روزمره کارگران با شرایط ویژه آن جامعه نیز منطبق میباشند .

نمونه يك چنین تشکلهای توده ای را مادر جنبش انقلابی روسیه در حدود دهسالهای ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲ شاهد هستیم . در این زمان لندن در " چه باید کرد " در یلمیک سا جریاناتی که در روسیه انزمان در پی کسب حقوق قانونی برای فعالیت تشکلهای صنفی کارگران ( از قبیل سندیکای اتحادیه ) بودند ، با اشاره به نقش استبدادی رژیم تزارو " اینگونه هرگونه اتحادیه های کارگری و هرگونه مخفی ممنوع است و نمود ارعده مبارزه کارگران یعنی اکتصاب بطور کلی جنایت و گاهی هم جنایت سیاسی ! ) محسوب میشود ، چنین نتیجه گیری می نماید که " پس ما وسیله مجاز ساختن نمیتوانیم مسئله ایجاد یک سازمان حرفه ای را که حتی المقدور دارای پنهانکاری کتر و وسعت بیشتری باشد حل نمائیم . . . تنها راه

حلی که باقی میماند سازمانهای پنهانی حرفه ای است و ما باید بکارگرانی که هم اکنون در این راه قدم میگذارند همه نوع یاری و مساعدت نمائیم . سازمانهای حرفه ای نه فقط میتوانند فایده هنگفتی در امر توسعه و تحکیم مبارزه اقتصادی رسانند بلکه میتوانند دستیاران مهمی هم برای - تبلیغات سیاسی و تشکلاتی انقلابی شوند .

بدین ترتیب لندن نشان میدهد که سازمانهای حرفه ای صرفا در شرایط قانونی نیست که میتوانند به امر توسعه و تحکیم مبارزه اقتصادی پرولتاریا کمک رسانند ، بلکه در زمانی که رژیمهای بورژوازی با اعمال

جو اختناق و سرکوب جلوتشکل کارگران را در سندن یکا و اتحادیه میگردند و این تشکلهای را بشدت سرکوب مینمایند ، پرولتاریا میتواند با دستهایی به اشکال نهنسی از سازماندهی توده ای به این امر پرداخته و مبارزه کارگران را تداوم و استحکام بخشد .

در شرایط خود ویژه جامعه ما گذشته از ضعف تاریخی جنبش کارگری که نتوانسته است ارگانهای توده ای نظیر اتحادیه و سندیکای بصورت نهاد در آورد ( بررسی این موضوع در این ماحطرح نیست ) ، اختناق و سرکوب عنان گسیختن سازمان ایجاد هر گونه تشکلات صنفی عملی را بمثابة کانون سازماندهی کارگران از میان برداشته است . در چنین شرایطی که حتی هرگونه حق طلسمی ابتدائی کارگران بمثابة " گناه کبیره " علیه رژیم محسوب شده و شدت سرکوب میشود ، در پی کسب اجازه قانونی بودن برای بوجود آوردن تشکلات صنفی - عملی و پیشبرد مبارزات جاری کارگران از طریق آن ، سراییش نیست . در همین حال بدلیل شرایط ویژه جامعه و نبود تشکلات صنفی - توده ای کارگران ، امر پیشبرد مبارزات جاری و نیز تبلیغ ، ترویج و وسیع توده های کارگر را نمیتوان بطاقی تسلیان سپرد . آنچه که لازم است شناخت از این ضعف تشکلاتی کارگران و پیدا کردن آن اشکال تشکلاتی است که بر این ضعف فائق آید . یعنی تشکلاتی که بتواند ضمن دربرگیری ویژگیهای دیگر وظایف تشکلاتی اتحادیه ها و سندیکایها را به انجام رساند .

۱- عدم وجود پیوندی مستحکم میان سازمان پیشاهنگ پرولتاریا و طبقه

چگونگی پیوند میان سازمان پیشاهنگ طبقه با طبقه کارگر در جنبشهای کمونیستی کشورهای مختلف ، ضمن و اشکال خاص این پیوند را آشکار میسازد و مقول لندن " در کشورهاییکه آزادی سیاسی وجود دارد فرق وجود دارد بین سازمان حرفه ای و سیاسی کاملا روشن است ، همانطور که فرق بین تریب یونیونها و سوسیال دمکراسی روشن است . مناسبات اخیر یابا اولیها بدیهی است که در معالک گوناگون ، بر حسب شرایط تاریخی و حقوقی و شرایط دیگر بطور ناگزیر تغییر شکل می یابد و این مناسبات ممکن است کم و بیش نزدیک ، پیچیده و غیره باشد . " ( لندن - چه باید کرد ) .

پیوند میان سازمان پیشاهنگ و طبقه در جوامع مختلف اشکال خاص خودش را - می یابد . در جوامعی که تشکلهای صنفی کارگران از قبیل اتحادیه ها و سندیکایها جنبه قانونی یافته اند ، اعضا سازمان پیشاهنگ طبقه ( چه این سازمان پیشاهنگ قانونی باشد و چه غیر قانونی ) امکان انزای یابند که

### ملاحظات . . .

بقیه از صفحه ۶

باشکرت در این قبیل تشکلهای ضمن شرکت در مبارزات روزمره کارگران سعی در دست و سوردی به مبارزات آنان ، در ارتباط نزدیک یاتوده های کارگران قرار گرفته و با بردن آگاهی های سوسیالیستی و علم مبارزه طبقاتی و برنامه حزب بدرون صفوف طبقه کارگر با جذب عناصر پیشرو کارگری صفوف سازمان پیشاهنگ را منجم تر نموده و بدین ترتیب پیوندی مستحکم میان پیشاهنگ و طبقه برقرار میسازند . ولیکن هنگامی که تشکلهای حرفه ای کارگران غیر قانونی اعلام میگردد و کانون مبارزات کارگران در این قبیل کشورهای تشکلهای عملی به تشکلهای مخفی توده کارگران انتقال می یابد ضرورتا در نوع پیوند و اشکال ارتباط میان سازمان پیشاهنگ و طبقه نیز تاثیر گذار شده و سازمان پیشاهنگ را موظف میسازد که از طریق همان تشکلهای مخفی ای که توده کارگران در آن سازمان می یابند به گسترش ارتباط میان خود و طبقه بپردازد .

اگر سازمان پیشاهنگ طبقه در جوامعی که پرولتاریا به سندیکای اتحادیه های کارگری دست یافته است ، موظف است به هر طریق ممکن با فرستادن و کسب داشتن نیروهای خوشتر به درون این تشکلهای ، به تبلیغ و ترویج افکار سوسیالیستی و برنامه حزب پرداخته و احزاب عناصر پیشرو و کارگری و رهبری مبارزات کارگران و بهترین پیوند را با جنبش کارگران ایجاد نماید ، نبود چنین تشکلاتی در نظر یک سازمان پیشاهنگ نمیتواند بمثابة توجیهی جهت بی عملی و عدم پیوند یاتوده های کارگر باشد . زیرا چنانچه گفته شد پیوند میان سازمان پیشاهنگ و طبقه کارگر بر حسب شرایط تاریخی و حقوقی و شرایط دیگر بطور ناگزیر تغییر شکل می یابد " و در " معالک گوناگون " ممکن است کم و بیش نزدیک ، پیچیده و غیره باشد .

بدین ترتیب روشن میگردد که منوط کردن پیوند میان سازمان پیشاهنگ و جنبش طبقه به ایجاد تشکلهای نظیر سندیکای اتحادیه چیزی جز توجیه بی عملی و ااپورتونسیسم نخواهد بود .

اما ضعف پیوند پیشاهنگ با طبقه ، فقط باعث عدم وجود تشکلهای توده ای کارگران نمیشد ، ضعف پیشاهنگ نیز خود یک سر ساله است . پیوند رابطه ایست مابین این دو ( و البته از سوی پیشاهنگ ) ، ضعف هر يك بردگیری بقیه در صفحه ۳



### جنبش انقلابی . . . بقیه از صفحه ۸

موفق میشوند دشمن را از روستای کوه پائین تاروستای کوره بالا به عقب نشینی وادار کنند و تا ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز نایزد هم مرداد منطقه را بطور کامل ارجود دشمن پاک میکنند . وسعت درگیری بعدی بود که فقط ۱۹ آمولانس مجروحان و کشته شدگان را از منطقه بیرون میرود . در این جنگ نابرابر ۳ پیشروک حزب دمکرات و ۲ تن از روستائیان کورمالا به شهادت رسیدند پس از پایان درگیری مردم دست به تظاهرات و راهپیمایی علیه رژیم میزنند . همچنین جسد

۴ تن از مجروحان بدست پیشمرگان می افتد که در میان آنها یکی از مسئولین سپاه ارومیه شناسائی میشود و ۶ نفر از افراد سپاه وسیع به اسارت پیشمرگان درمی آیند غنایم بدست آمده عبارتند از ۷ قبضه تفنگ ژ - ۳ و کلاشینکف ۴ عدد بی سیم ، سی عدد خناب ژ - ۳ ، ۲ - تعدادی نارنجک دستی ، یک قبضه موشک انداز آر بی جی ، ۲ عدد موشک آر بی جی ، ۱۰۲ عدد تفنگ روزن و ۱۰۰۰ عدد تفنگک ژ - ۳ .

روز ۲۱ مرداد ساعت ۱۲ شب نیروهای ارتش و سپاه همراه با جاشهای خود فروخته به مقر پیشمرگان واقع در روستاهای کبک کش

ودره کز در منطقه دیواندره حمله کرده و روستائیان را زیر آتش توپ و خمپاره میگرد در این درگیری پیشمرگان به کمک زحمتکشان منطقه که فعالانه در جنگ شرکت داشتند پس از ۱۶ ساعت دشمن را از منطقه فراری داده و منطقه را تحت کنترل خود میگیرند . در این نبرد ۲۰۰ تن از مجروحان رژیم به هلاکت رسیدند و یک عدد خمپاره انداز ، یک قبضه آر بی جی ، ۲ قبضه تیربار قاسم همراه با فشنگ ، ۳ قبضه کلاشینکف ، یک قبضه کلت ، یک عدد بی سیم و تعدادی - خناب ژ - ۳ و کلاشینکف بدست پیشمرگان افتاد . در این نبرد ۶ تن از پیشمرگان حزب دمکرات و کومه به شهادت رسیدند .

### رفیق انور . . . بقیه از صفحه ۱۴

شوند گل و نفرت عمیقی نسبت به دشمنان طبقه کارگرداشت . او با قدرت تبلیغی که داشت در میان زحمتکشان کرد بخصوص مناطق سقز و مویان از محبوبیتی خاص برخوردار بود . زحمتکشان سقز بیاد دارند انور را چگونه در میتینگهایی که در محل تجمع آنان بدین هیچ برنامه قبلی تشکیل میداد و با زبان آنها از پرورد و رنج آنها صحبت میکرد و راه علاج رابه آنان که همانا تشکک بود رهنمود میداد . به یاد دارند نقش ارزنده او در تشکیل کانون کارگران بیکار شهر و از خود تشکی هایش در رابطه با بالا بردن سطح آگاهی آنان او

همیشه در صف اول مبارزه بود زیرا قلبش همراه توده هامیطیبد . او در سختیها پیشقدم بود زیرا خود را سرباز کوچک انقلاب میدانست .

رفیق شهید انور اعظمی در جریان زندگی تشکیلاتی خودش همچون یک کمونیست در تمام جنبه هادرون تشکیلات و خارج تشکیلات علیه دشمنان قسم خورده سازمان زحمتکشان و ملت کرد سرسختانه مبارزه مینمود . او با سرسختی در استراتژی و انعطاف در تاکتیکها فروتنی و قدرت منطقی ، اعتماد بنفس و غرور شدن ، بیزار از زنده به زاری و اصولی بودن ، آگاهی و ایمان به توده ها که از خصوصیات بارز وی بود در جهت پیشبرد خط اصولی سازمان بر مشکلات غلبه و هیچ مانعی را در این راه یارای مقاومت در برابر وی نبود .

قوی که از مارکسیسم - لنینیسم داشت به عضویت سازمان و عضو کمیته گردستان سازمان درآمد و با توجه به توانائیهای که در وی وجود داشت مسئولیت سیاسی تشکیلاتی تیم ران نیز عهده دار بود است . اما یکسال پیش این رفیق ارزنده بعد از زخمی شدن در جریان درگیری و خلع سلاح گروهان ضریب پایگاه حر سقز بعد از سه روز در بیمارستان شهید شد . هر چند مقدم از دست دادن چنین رفیقی برایمان سنگین است اما در اولین سالگرد شهادتش عهد میندیم این غم را به نیروی ، برای مبارزه بشوید او و در ادامه راه او تبدیل نشایم و تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق از برای نخواهیم نشست . یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

رفیق انور با توجه به خصوصیات و درک

به نقل از بیگای که ل شماره ۸

### رفیق جواد . . .

در سربدهای دلاورانه ، از جنوب کردستان تا شمال آن به بیست رسانده کارگزاران ای بود که طعم تلخ استثمار را در رژیم شاه بخوبی چشیده بود و برای رهائی از یوغ آن مبارزه برخاسته بود ، شور و اشتیاق زائد الوصف او به رهائی کارگران و زحمتکشان آنچنان بود که پس از سرنگونی شاه نهمه مبارزه بیکر خود ادامه داد سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران را مدافع راستین آرمانش میدانست . و بدین منظور فعالیت خود را پس از خیانست رفرمیتهای موسوم به اکثریت نیز در سازمان ادامه داد ، در بهار سال ۱۳۱۰ به هرمزگان فدائی خود در جنوب کردستان پیوست و نقش فعال خود در جنبش انقلابی خلق کرد ایفا نمود .

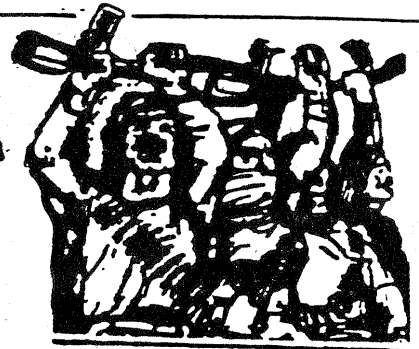
### بقیه از صفحه ۱۴

او در تمامی این مدت سمل فد اکاری و مد اقت و انضباط کمونیستی بود ، علاقه او به فنون نظامی بعدی بود که در کمتر مدت زمان ممکن توانست در عملیات گوناگون مسئولیت دسته های عملیاتی را بعهده بگیرد ، رفیق کاندیدای عضویت در سازمان و فرمانده نظامی دسته های پیشروک بود . سرانجام در تاریخ ۳۰ / ۵ / ۱۳۱۱ طی یک تهاجم دلاورانه به نیروهای سرکوکس در باغلیجه - بغد ه گندی سینه بر مهرش آماج گلوله های پاسداران ارتجاع و سرمایه قرار گرفت .

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد .  
به نقل از بیگای که ل شماره ۸

### مواضع . . . بقیه از صفحه ۱۴

بودند صلح شدند ، و هنگام تحویل سلاحها با فریاد درود بفر فدائی ، زنده باد سوسیالیسم احسانات خوش در ایمان داشتند . و همچنین یکی از رفقای آموزشی به نمایندگی از طرف رفقای دوره اظهار داشت بامید آنکه بتوانیم با اپتارو فد اکاری های خوش لیاقت نام فدائی بر داشته باشیم . به دستاوردهای - آموزش با وجود فشردگی اش اشاره کرد و - بار او ربهای سیاسی نظامی تشکیلاتی آنرا برشمرد . برنامه با سرود سازمان و سرود های ملی و ابزار احسانات مردم روستا و شلیک تیرهای هوایی پایان پذیرفت لازم به توضیح است در این دوره عده ای از رفقای هوادار سازمان در شهرستانهای دیگر ایران که ارتباط آنها قطع شده بود و از طریق شاخه گردستان توانسته بودند ارتباط برقرار کنند پس از طی آموزشهای سیاسی و نظامی و تجدید ارتباط مجددا تشکیلات عازم حوزه های مأموریت خود شدند .



# جنبش انقلابی خلق گورد

دکرات است که اخبار این شماره عمدتاً مربوط به عملیات کومله و حزب دکرات می باشد .

اخبار این ستون مربوط به عملیات نیروهای پیشمرگ خلق کرد و جریانات سیاسی در کردستان و مبارزه علیه این رژیم در کردستان چون سازمان ماه کومله و حزب

صوم مرداد - پیشمرگان جاده مهاباد ارمیه را بدست آوردند و سفت زیر کنترل خود گرفته و برای مسافران تبلیغ کردند در همین عملیات دوازده نفر شامل ۷ هزار نفر نفت را صادره کردند و دویست روستاهای اطراف بخش کردند .

مراسم تسلیح رفقای پیشمرگ دومین دوره آموزش  
آمورشگاه شهید مسعود رحمتی

در تاریخ ۲۷/۴/۶۲ دومین دوره آموزش پایگاه شهید مسعود رحمتی، دوره شهید علی نوری طی مراسم باشکوهی در حضور مردم زحمتکش یکی از روستاهای آزاد شده کردستان مسلح و به صف پیشمرگان رزمنده فدائی پیوستند . در این مراسم که چند ساعت طول انجامید نخست به پاس احترام به شهدای بخون خفته خلق، شهدای راه رهایی و سوسیالیسم یک دقیقه سکوت اعلام شد .

پنجم مرداد - پیشمرگان جاده اصلی سنندج - کامیاران را با وجود حضور تعداد زیادی پاسدار در طول جاده بدست آوردند و تحت کنترل گرفته و طی این عملیات یک ماشین استانداری را صادره و یک ماشین سمیرغ خلعق به رژیم را با تمام سرشناسان از بین بردند همچنین در این دو ساعت برای مسافری صحبت کرده و اهدای خود را تبلیغ کردند .

سپس رفیق فرمانده نظامی شاخه سخنانی در رابطه با آموزش ضرورت این امر ایراد نمود، در سخنان رفیق به کیفیت جدید جنبش ملی دکراتیک خلق کرد و ضرورت مسلح شدن مغزها و دستهای آنها به شخصه هر پیشمرگ فدائی برای وارد آوردن ضربات هر چه شدیدتر بر دیگر لیزان رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی اشاره نمود .

هفتم مرداد - چند دسته از پیشمرگان در حومه های بوکان - سقز و دیواندره با ارتش و سپاه بدست ۱۲ ساعت می جنگیدند که در این نبرد موفق به کشتن ۱۰۰ نفر از افراد دشمن میشوند، ۸ خود رو دشمن در این عملیات شهید شد و ۱۰۰ جسد مردمان بدست پیشمرگان افتاد که جسد فرمانده سپاه پاسداران بنام عبدالله امامی در میان آنها بود و یک پاسدار نیز به اسارت پیشمرگان درآمد پس از ۱۲ ساعت نبرد قهرمانانه پیشمرگان موفق میشوند نیروهای دشمن را وادار به عقب نشینی کنند . در این عملیات ۶ پیشمرگه حزب دکرات شهید و ۲ تن زخمی میشوند .

در قسمت دیگر برنامه ، نماینده پیشمرگان قدیمی سازمان ضمن اظهار خوشحالی از پیوستن دسته جدیدی از رفقا به صفوف پیشمرگان سخنانی در رابطه با وضعیت فعلی جنبش موقعیت رژیم ، وظیفه نیروها و مردم ایراد نمود . رفیق همچنین سیاست جنگی در مقطع کنونی یعنی " دفاع استراتژیک و تعرض تاکتیکی پشت جبهه های دشمن " اشاره کرد . و همچنین بر ضرورت اتحاد عمل نیروهای انقلابی و هر چه بیشتر مسلح شدن توده های زحمتکش انگشت گذاشت .

هفتم مرداد - پیشمرگان طبق یک برنامه ریزی دقیق ساعت ۷ بعد از ظهر داخل شهر اشعوبه شده با یک حمله ضربتی کلیه مراکز مهم شهر از جمله مساجد روابط عمومی سپاه ، قرارگاه حمزه خانیاث و شهرستانی را که جایگاه حاشیای قباده موقت است پس از یک درگیری شدید تحت کنترل خود

سپس رفقای آموزش که با موفقیت دوره رابه پایان رسانده بقیه در صفحه ۱۳

یکسال از شهادت رفیق فدائیکار ، دو سنبل نجف و پایداری و ایمان به راهانی کارگران و زحمتکشان ، دو سباز راه آزادی ، دکراسی و سوسیالیسم ، دو پیشمرگ فدائی ، که در نبرد قهرمانانه با قلو جبه و بنده گندی در روزهای ۳۰ مرداد و ۳ شهریور سال گذشته حماسه آفریدند و به شهادت رسیدند ، صبری شد .

یاد رفتا  
جواد کاشی ، انور اعظمی را  
با تداوم مبارزه برای سرتوئی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق گرامی داریم .

## جاودان یاد خاطره فدائی شهید رفیق انور اعظمی

یکسال پیش در روز ۲۱/۵/۶۱ رفیق فدائی انور اعظمی یکی دیگر از ارزنده ترین رفقای سازمان بخون خویش را شقیه راه - راهانی کارگران و زحمتکشان نمود و با شهادت خود برگ زرین دیگری بر تاریخ خونبار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و جنبش انقلابی خلق کرد افزود .

فدائی شهید رفیق انور اعظمی فرزند راستین خلق کرد طی از بهترین رفقای سازمان بود که بیش از شش سال ازحمیات بر افتخارش شرافت امر طبقه کارگر نمود . و شقی بی پایان نسبت بقیه در صفحه ۱۳

## جاودان یاد خاطره فدائی شهید رفیق جواد کاشی

یکسال از شهادت یکی از یاکریم ترین شرفترین فرزندان خلق گذشت ، روز مرداد سال گذشته ، هوش جیبا و لگران سرکوبگران خلق کرد به روستاهای اطراف بوکان با جانبازیها و لایوهای پیشمرگ قهرمان فدائی - انجمن ناکام ماند که دشمن هنوز از فراموش کردن این حماسه بازمانده است .

فدائی شهید ، پیشمرگ قهرمان ، رفیق جواد کاشی که در این نبرد قهرمانانه به شهادت رسید ، یکی از خستگی ناپذیرترین و وفادارترین کسانی بود که به ارمان کارگران و زحمتکشان عشق میورزند ، او که خشم نفرت عمیق خود را به امیرالیسم و ایداریات بارها و بارها